

## جوامع حدیثی متقدم (اصول اربعه یا کتب اربعه)

◆ محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ ه.ق) ← کافی

◆ محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق (۳۸۱ ه.ق) ← کتاب من لا یحضره الفقیه

◆ محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ه.ق) ← تهذیب الاحکام و استبصار فی ما اختلف من الاخبار

### علل شهرت یافتن کتب اربعه

۱. وثاقت و مقام بلند علمی مؤلفان آنها؛
۲. نظم و ترتیب در چینش احادیث و موضوعات؛
۳. اشتغال بر حجم گسترده ای از احادیث و موضوعات؛
۴. قدمت زمانی و نزدیکی آنها به عصر صدور.

### نکاتی درباره کتب اربعه

۱. نامیده نشدن این کتب به «صاح اربعه»
۲. اصول خمسة و کتاب مدینه العلم.

## محمد بن یعقوب کلینی و کتاب کافی

- معروف به «رئیس المحدثین» و «ثقة الاسلام»
  - ولادت: حدود سال ۲۵۵ هجری در عهد امام یازدهم در روستای کلین در ۳۸ کیلومتری شهر ری.
  - خاندان: پدرش یعقوب بن اسحاق، آرامگاه این مرد متقی در روستای کلین، قرن‌ها است که زیارتگاه شیعیان است.
  - محمد بن علی کلینی الرازی معروف به «علان» دایی وی که در سفر حج و در راه زیارت خانه خدا به شهادت رسید.
- کلینی در نگاه عالمان: نجاشی درباره مرحوم کلینی می گوید: «شیخ أصحابنا فی وقته بالرئی ووجه هم وكان أوثق الناس فی الحدیث وأثبتهم»

### مشایخ و اساتید کلینی:

۱. علی بن ابراهیم قمی (۷۰۶۸ روایت)؛
۲. محمد بن یحیی عطار قمی (۵۰۷۳ روایت)؛
۳. أبوعلی أشعری [احمد بن ادریس] (۸۷۵ روایت [۱۵۴ روایت])؛
۴. حسین بن محمد (۸۳۰ روایت)؛
۵. محمد بن إسماعیل (۷۵۸ روایت)؛
۶. حمید بن زیاد (۴۵۰ روایت)؛

### شاگردان کلینی:

۱. جعفر بن محمد بن قولویه قمی؛
۲. محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به ابن ابی زینب،
۳. محمد بن علی ماجیلویه؛
۴. هارون بن موسی تلکبیری.

### تالیفات مرحوم کلینی:

۱. تعبیر الرؤیا
۲. الرد علی القرامطه
۳. الرسائل (رسائل الاثمه):
۴. کتاب الرجال
۵. ما قیل فی الائمه من الشعر
۶. کافی

وفات: سال ۳۲۹ هجری قمری، سال «تناثر نجوم» یعنی فروریختن ستاره ها.

## کتاب کافی

نام کتاب: به نظر می رسد این کتاب از سوی مؤلف آن مسمی به کافی نبوده است. مهم ترین دلیل، عدم اشاره کلینی به نام کتاب در خطبه آغازین کتاب است، هر چند که در دوره های بعد شیخ طوسی و نجاشی از کتاب کلینی به نام کافی یاد کرده اند، اما می توان احتمال داد که عنوان الکافی به عنوان نام

اثر کلینی از خطبه وی در شروع کتاب اقتباس گشته است، آنجا که می نویسد: «وَقَلْتَ أَنْتَ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابٌ كَافٍ يَجْمَعُ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ فَنُونِ عِلْمِ الدِّينِ»؛ گفته بودی که علاقه مندی کتابی در اختیار تو قرار گیرد که جامع فنون علم دین بوده و از هر جهت در شناخت مسائل تو را کفایت کند؛ نجاشی در کتاب رجال خود می گوید: «صَنَّفَ الْكِتَابَ الْكَبِيرَ الْمَعْرُوفَ بِالْكَلِينِيِّ، يُسَمَّى الْكَافِي» عبارت نشان دهنده آن است که مؤلف بر مجموع آن نامی ننهاده بوده و به لحاظ شهرت مؤلف، کتاب به نام وی معروف بوده است.

### انگیزه تألیف کافی

به تقاضای یکی از دوستانش نوشته، و علت درخواست آن شخص از کلینی حل دو مشکل اساسی در آن زمان بوده است:

◆ در برخی از امور اختلاف روایات مشکل ساز شده است و حقیقت شناخته نمی شود.

◆ کتابی که جامع فنون علم دین باشد لازم است، تا طالبان علم دین از طریق اخبار صحیح به علوم و سنن دین دسترسی پیدا کنند.

### تعداد احادیث کافی

✓ ۱۶۱۹۹ روایت: لؤلؤة البحرين، ص ۳۹۴، به نقل برخی از اساتیدش. ✓ ۱۵۱۷۶ روایت: کافی، مقدمه دکتر محفوظ، ص ۲

✓ ۱۶۱۲۱ روایت: رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۳۱ ✓ ۱۵۴۱۳ روایت: طبق شماره گذاری کافی چاپ دارالحدیث

✓ ۱۵۵۰۸ روایت: طبق شمارش عمیدی در مجله علوم الحدیث، ش ۱

علت اختلاف اعداد:

- تعدد سندهای ذکر شده برای یک متن؛
- وجود احادیث موقوف (که از اصحاب ائمه (علیهم السلام) نقل شده)
- تکرار احادیث؛
- متعدد شمردن روایتی که امام (علیه السلام) در یک مجلس

### ساختار کتاب

اصول؛ فروع؛ روضه .

اصول و فروع کافی به شیوه درختی تنظیم گشته اند؛ یعنی هر یک دارای چند کتاب و هر کتاب مشتمل بر چند باب و هر باب مشتمل بر چند حدیث است. اما روضه باب بندی ندارد و روایات، یکی پس از دیگری ذکر شده است.

کتابهای اصول کافی (موضوع: مباحث اعتقادی و اخلاقی شامل ۸ کتاب، ۴۹۹ باب، ۳۷۸۶ روایت):

۱. کتاب العقل و الجهل (خلقت عقل، چیستی عقل، علامتهای عاقل، نکوهش جهل و...)

۲. کتاب فضل العلم (وجوب طلب علم، فضیلت علم و علما، صفت علما، حق عالم و...)

۳. کتاب التوحید (حدوث عالم و اثبات آفریننده آن، شناخت خدا با خدا، باطل بودن رویت خدا، و...)

۴. کتاب الحجة (نیاز به حجّت، خالی نبودن زمین از حجّت، شناخت امام، خلیفة الله بودن ائمه، و اخبار خمس ...)

۵. کتاب الایمان و الکفر (طینت مومن و کافر، درجات ایمان، حقیقت ایمان و یقین و مباحثی اخلاقی از قبیل: خوف و رجاء، تواضع، حلم، غیبت و...)

۶. کتاب الدعاء (فضیلت دعا، رفع بلا و قضا به وسیله دعا، ثنای خدا قبل از دعا، صلوات بر پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، ذکر خداوند عز و جل و...)

۷. کتاب فضل القرآن (شامل مباحثی مانند: فضیلت قرآن، فضیلت حاملان قرآن، آموختن قرآن، ثواب قرائت قرآن، ترتیل قرآن با صوت نیکو و...)

۸. کتاب العشرة (معاشرت نیکو با مردم، کسانی که معاشرت با آنها نیکو است، سلام کردن، مزاح کردن و خندیدن، حقوق همسایه و...)

کتابهای فروع کافی (موضوع: مباحث فقهی شامل ۲۶ کتاب، ۱۷۴۴ باب، ۱۰۸۰۰ روایت):

شامل: الطهارة، الحيض، الجنائز، الصلاة، الزکوة، الصيام، الحج و الزیارات، الجهاد، المعیشة، النکاح، العقیقة، الطلاق، العتق و التدبیر و الکتابة، صید الکلب و الفهر، الذبایح، الاطعمة و الاشرية، الزی و التجمل و المروة، الدواجن، الوصایا، الموارث، الحدود، الديات، الشهادات، القضا و الاحکام، الأیمان و النذور و الکفارات.

روضه کافی: این بخش فقط مشتمل بر یک کتاب و شامل مباحث گوناگونی همچون خطبه ها و نامه های ائمه (علیهم السلام)، مواعظ، قصص و مطالب تاریخی است که مجموع احادیث آن بالغ بر ۵۹۸ حدیث است.

### شیوه گزارش متن احادیث در کافی:

۱. ذکر نص حدیث و پرهیز از نقل به معنا
۲. عدم ذکر احادیث متعارض و اکتفا به ذکر روایات مطابق با نظر فقهی خود
۳. تقطیع متن در برخی موارد بدون تصریح بدان
۴. شرح و بیان برخی از احادیث توسط مرحوم کلینی
- ۴.۱. توضیح متن روایت
- ۴.۲. ارائه رأی فقهی خود در آغاز باب
- ۴.۳. توجه به آرای اصحاب
- ۴.۴. اختلاف نقلهای حدیث
۵. رفع تعارض؛ البته خیلی معدود مثلاً: در وقت نماز مغرب؛ و روزه شعبان.

### شیوه گزارش اسناد در کافی

۱. عدم روایت از غیر معصوم جز در موارد نادر؛
۲. ذکر کامل سند تا معصوم جز در موارد اندک؛
۳. ذکر طرق مختلف برای یک روایت؛
۴. امانت در گزارش سند؛
۵. استفاده از شیوه های مختلف برای اختصار سند از جمله:
  - ۵.۱. تعلیق بر اسناد قبل
  - ۵.۲. شبه تعلیق (مخدا الاسناد)
  - ۵.۳. تحویل در سند
  - ۵.۴. اختصار در اسامی روات
  - ۵.۵. به کار بردن عبارات جمعی مانند: «عِدَّةٌ مِنْ اصْحَابِنَا»
  ۶. عنعنة در سند؛
  ۷. ارسال در برخی اسناد؛

### مزایا و ویژگیهای کافی

۱. تألیف کافی در عصر غیبت صغری و نزدیک بودن تألیف آن به عصر حضور ائمه (علیهم السلام).
۲. جامعیت کتاب (اشتمال بر روایات اعتقادی، اخلاقی و فقهی) که این ویژگی در دیگر کتب اربعه وجود ندارد.
۳. بیشتر بودن روایات آن نسبت به دیگر جوامع متقدم شیعه و نیز صحاح اهل سنت.
۴. صرف ۲۰ سال وقت برای گردآوری، تدوین و پیرایش کتاب: که موجب شده کافی نسبت به دیگر کتب اربعه از استحکام و دقت بیشتری برخوردار گردد.
۵. وجود ثلاثیات در کافی؛ یعنی روایات عالی السندی که تنها با سه واسطه از معصوم ذکر شده اند.
۶. ذکر کامل اسناد: بر خلاف دیگر کتب اربعه، خصوصاً کتاب من لایحضره الفقیه که سند بسیاری از احادیث در متن این کتب کامل نیست.
۷. عنوان دهی دقیق ابواب با عناوین کوتاه و رسا.
۸. مشتبه نشدن توضیحات مصنف با متن روایات.

### دیدگاهها در صحت روایات کافی

الف) دیدگاه افراطی (دیدگاه اخباریان شیعه): اینان معتقدند همه روایات کتب اربعه از جمله کافی صحیح و قطعی الصدور است.

ادله: ۱. عرضة کتاب کافی توسط نوّاب خاص بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و اینکه حضرت آن را پسندیده و گفته اند: «الکافی کافٍ لشیعتنا».

پاسخ: اولاً هیچ قرینه قطعی و گزارشی که حاکی از ملاقات کلینی با نواب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) باشد به دست ما نرسیده است.

ثانیاً صدور عبارت «الكافی كافٍ لشیعتنا» از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز مسلم نیست؛ زیرا راوی آن مشخص نبوده و کسی نامی از او به میان نیاورده است. حتی از محدث استرآبادی که سرکرده اخباریان شیعه و از قائلان به قطعی الصدور بودن همه روایات کافی است نقل شده که گفته است: «إنّ هذا الحدیث لیس له أصلٌ أو سندٌ».

۲. مهمترین دلیل، تعبیر مرحوم کلینی در خطبه کتاب است؛ آنجا که می گوید «بالآثار الصحیحة عن الصادقین (علیهم السلام)» آنها معتقدند این عبارت حاکی از شهادت: مرحوم کلینی بر صحّت همه روایات کافی است.

دیدگاه منصفانه: نظر اکثر محققان شیعه آن است که کتاب کافی با همه مزایا و ویژگیهای خاصی که دارد، مشتمل بر تعدادی روایات ضعیف السند و اندکی روایات مردود است. طبق دیدگاه این گروه، حتی بنا به معیار محدثان متقدم نیز، تعدادی هر چند اندک از روایات کافی غیرقابل توجیه است؛ زیرا مضمون این روایات گاه با متن قرآن و دیگر ادلة قطعی در تناقض است. مانند روایاتی که ظاهر آنها حکایت از تحریف قرآن دارد.

با توجه به تفاوت "حدیث صحیح" نزد قدما و متأخرین، باید گفت: چنانچه عبارت «بالآثار الصحیحة عن الصادقین علیهم السلام» مرحوم کلینی را حاکی از شهادت بر صحّت روایات کتاب بدانیم بی شک این صحّت، طبق اصطلاح قدما خواهد بود و منافاتی ندارد که طبق اصطلاح متأخران بسیاری از این روایات از لحاظ سندی ضعیف شمرده شوند.

### نمونه هایی از ارزیابی و تفکیک روایات کافی توسط متأخران:

❖ شهیدثانی آمار اقسام احادیث کافی را چنین گزارش کرده است: ۵۰۷۲ حدیث صحیح، ۱۱۴ حدیث حسن، ۱۱۱۸ حدیث موثق، ۳۰۲ حدیث قوی، ۹۴۸۵ حدیث ضعیف.

❖ شیخ حسن فرزند شهید ثانی در اثر ناتمام خود با نام *منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان* صرفاً احادیث صحیح و حسن این کتاب و دیگر کتب اربعه را نقل کرده است.

❖ علامه مجلسی در *مرآة العقول* طبق اصطلاح متأخران اقسام صحیح، حسن، موثق و ضعیف کافی را مشخص کرده است.

❖ آقای بهبودی در کتاب *صحیح الکافی* طبق مبنای خاص خود صرفاً روایات صحیح کافی را جمع کرده اند. ایشان پس از بررسی سند و متن روایات کافی نهایتاً ۴۴۲۸ حدیث را صحیح قطعی دانسته اند.

❖ در برنامه درایة النور نیز سند ۹۲۰۸ حدیث صحیح، ۲۸۳۰ حدیث، موثق و ۶۵۰۵ حدیث، ضعیف دانسته شده است.

روایات ضعیف در کافی: الف) ضعف در سند ب) ضعف در متن.

### نمونه ای از روایات ضعیف المتن در کافی:

۱. «عن معاذ بن کثیر عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: شهرُ رمضانَ ثلاثونَ يوماً لا ينقُصُ واللهِ ابدأ...»؛ از امام صادق (عليه السلام) نقل شده است که فرمود: ماه رمضان سی روز است و به خدا قسم هرگز کم نمی شود. مرحوم کلینی سه روایت را که همین معنا را می رسانند نقل کرده است. علت ضعف این حدیث مخالفت داشتن با واقعیت خارجی و شواهد علمی است، زیرا روشن است که ماه رمضان نیز مانند سایر ماههای قمری گاهی ۲۹ روز و گاهی ۳۰ روز می شود. شیخ مفید در رساله العدیدیه خود از این روایات با عنوان احادیث شاذ، مجهول السند و غیرمعمد یاد کرده است.

۲. روایاتی که شائبه ۱۳ امامی دارد. مرحوم کلینی در باب «ما جاء في الاثني عشر والنص عليهم عليهم السلام» روایاتی را نقل کرده است که ظاهر شش مورد از آنها احتمال سیزده امام را به ذهن خواننده القا می‌کند. مثلاً: عن سماعة عن علي بن الحسن بن رباط عن ابن اذينة عن زرارة قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) ... يقول: الاثنا عشر الامام من آل محمد (عليهم السلام) كلهم محدث من ولد رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومن ولد علي ورسول الله (عليه السلام) هما الوالدان؛ زراره گوید: شنیدم امام باقر (عليه السلام) می فرمود: دوازده امام از خاندان محمد (صلى الله عليه وآله) و همه مربوط به عالم غیب هستند و از فرزندان رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و علی (عليه السلام) می باشند. ظاهر تعبیر دوازده امام که همگی از فرزندان علی (عليه السلام) هستند شائبه سیزده امام را به ذهن القا می‌کند.

درباره روایات شش گانه مذکور این نکته قابل ذکر است که اولاً عنوان باب یعنی عبارت «ما جاء في الاثني عشر والنص عليهم» به روشنی بیانگر این مطلب است که مرحوم کلینی از چنین روایاتی همچون بقیة روایات باب، استفاده دوازده امام را کرده است، ثانیاً برخی از روایات باب همچون قول پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله): «إني واثني عشر من وُلدي وأنت يا علي زر الأَرْض» به چهارده معصوم اشاره دارد نه صرفاً ائمة دوازده گانه. همچنین برخی از این روایات با توجه به نقلهای سالم دیگری که از آنها در سایر کتب حدیثی وجود دارد، ظاهراً از لحاظ متنی دچار تحریف و تصحیف شده اند؛ مثلاً شیخ مفید روایت پیشین را از کلینی این گونه نقل کرده است: «... كلهم محدث، علي بن أبي طالب وأحد عشر من وُلده...» که صراحت در دوازده امام دارد.

۳. روایات حاکی از وقوع تحریف در قرآن: مانند: علی بن حکم عن هشام بن سالم عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: إن القرآن الذي جاء به جبرئيل إلى محمد (صلى الله عليه وآله) سبعة عشر ألف آية. هشام بن سالم از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده که فرمود: قرآنی که جبرئیل برای محمد (صلى الله عليه وآله) آورده است هفده هزار آیه بوده است. با توجه به اینکه تعداد آیات موجود در مصحف طبق شمارشهای مشهور شش هزار و اندی میباشد، عدد هفده هزار آیه را نمیتوان پذیرفت لذا این روایت به شکل موجود قابل قبول نیست. لیکن برخی از محققان برآنند که «عشر» در روایت مذکور زائد است، چنان که، مرحوم فیض کاشانی نیز در وافی روایت را با تعبیر «سبعة آلاف آية» نقل کرده است یعنی بدون کلمه «عشر»؛ که به عدد تقریبی هفت هزار آیه نزدیک است.

## کارهای پیرامون کتاب کافی:

### الف) شروح کافی

۴. شرح اصول کافی: اثر صدر المتألهین محمد شیرازی (۱۰۵۰ ه.ق).
۵. شرح کافی للمازندرانی (الاصول و الروضة): از مولی محمد صالح مازندرانی (۱۰۸۱ ه.ق).
۶. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول: علامه محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰ ه.ق) که شامل شرح اصول، فروع و روضه است و در ۲۶ جلد چاپ شده است.
- ب) ترجمه ها
۷. اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی.
۹. ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی.
۸. ترجمه و شرح محمدباقر کوه کمره ای.
۱۰. ترجمه به انگلیسی المؤسسة العالمية للخدمات الاسلامیه.

### ج) حواشی کافی

۱. حاشية ملا محمدامین استرآبادی (۱۰۳۶ ه.ق).
۲. حاشية رفيع الدين محمد بن حيدر نائینی (۱۰۸۰ ه.ق).
۳. حاشية شيخ عبدالحسين مظفر (با نام الشافی فی شرح اصول کافی).
- د) تلخیصها
۱. گزیده کافی، ترجمه و تحقیق محمدباقر بهودی (ترجمه کتاب صحیح کافی).

۲. خلاصه ای از اصول کافی، ترجمه علی اصغر خسروی شبستری.

۳. درخشان پرتوی از اصول کافی، سید محمد حسینی همدانی.

۵) معجمها و راهنماها: المعجم المفهرس لألفاظ أصول الكافي، الياس كلانتری؛ المعجم المفهرس لألفاظ أصول من الكافي، علیرضا برازش؛ فهرس أحاديث الكافي، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

و) اسناد و رجال کافی

۱. تجرید اسانید کافی و تحقیقها، حاج میرزا مهدی صادقی.

۲. الموسوعة الرجالية، حسین طباطبائی بروجردی.

ز) درباره کافی:

۱. الشیخ الكلینی البغدادی و كتابه الكافي، ثامر هاشم العمیدی.

۳. بحوث حول روایات الكافي، امین ترمس العاملی.

۲. دفاع عن الكافي، ثامر هاشم العمیدی.

۴. الكلینی و الكافي، عبدالرسول الغفار. ۱۲۴

### شیخ صدوق و کتاب من لا یحضره الفقیه

نگاهی به زندگانی شیخ صدوق (رحمه الله): أبو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، و ملقب به «رکن من ارکان الدین»، «شیخ القمیین»، «رئیس المحدثین»؛ فرزند علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۲۹ه.ق) معروف به «صدوق اول». متولد حدود ۳۰۶ ه.ق. وی و برادرش حسین، به دعای امام عصر (عج) به دنیا آمدند. وی سرانجام به سال ۳۸۱ هجری در ری دیده از جهان فروبست و در همانجا دفن شد. رحمة الله علیه.

شیخ صدوق از نگاه عالمان: نجاشی در معرفی شیخ صدوق می گوید: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بابويه القمي أبو جعفر، نزيل الري شيخنا وفقهنا ووجه الطائفة بخراسان»؛ شیخ صدوق ساکن ری بزرگ و فقیه ما و چهره برجسته شیعه در خراسان است. شیخ طوسی نیز می گوید: «كان جليلاً، حافظاً للأحاديث، بصيراً بالرجال، ناقداً للأخبار، لم يرف في القميين مثله في حفظه وكثرة علمه له نحو من ثلاثمائة مُصَنَّفٍ»؛ دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود؛ از احوال رجال کاملاً آگاه و در بررسی احادیث نقادی عالی مقام به شمار می آمد؛ در اعلام قم از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات ماندی برای او دیده نشده است و در حدود ۳۰۰ اثر تالیفی از خود به یادگار گذاشت. ذهبی، از علمای اهل سنت، در سیر اعلام النبلاء درباره وی می نویسد: «صاحب التصانيف السائرة بين الرافضة يضرب بحفظه المثل. يقال: له ثلاثمائة مُصَنَّفٍ وكان أبوه من كبارهم ومُصَنَّفِيهم.»؛ شیخ صدوق دارای تألیفات رایجی در میان شیعیان است. حافظه اش ضرب المثل است و نقل است که سیصد اثر داشته است. پدرش نیز از بزرگان و مؤلفان شیعه است.

اساتید: صدوق (رحمه الله) در کثرت مشایخ در میان عالمان شیعه کم نظیر است و اساتید وی را بیش از ۲۵۰ تن برشمرده اند، از بین مشایخ متعدد وی چهار نفر از اهمیت بیشتری برخوردارند که عبارت اند از:

✓ پدرش، علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۲۹ه.ق)، ✓ محمد بن علی بن ماجیلویه.

✓ محمد بن حسن بن احمد بن الولید معروف به ابن ولید (۳۴۳ه.ق)، ✓ محمد بن موسی بن متوکل.

از بین اینها ابن ولید در تکوین شخصیت علمی صدوق، به ویژه در زمینه های حدیثی و رجالی، مؤثرتر بوده است.

### شاگردان:

۱. شیخ مفید،

۳. حسین بن عبیدالله غضائری،

۵. ابوالحسن جعفر بن حسکه قمی.

۲. سید مرتضی،

۴. علی بن احمد بن عباس (پدر نجاشی)،

۶. ابو محمد هارون بن موسی تلکبری.

۱. التوحید: مباحث توحیدی موجود در روایات.
۲. الخصال: دسته بندی احادیث مختلف بر مبنای اعداد.
۳. الأمالی: املاهی احادیث مختلفی در مباحث عمدتاً اخلاقی، تاریخی و فضایل اهل بیت (علیهم السلام).
۴. کمال الدین و تمام النعمه: غیبت و ظهور امام زمان (عجل الله فرجه).
۵. ثواب الأعمال: روایات مربوط به اعمال نیک و پاداش آنها.
۶. عقاب الأعمال: روایات مربوط به اعمال ناپسند و مجازات آنها.
۷. صفات الشیعه: روایاتی درباره خصوصیات و صفات شیعیان.
۸. فضائل الشیعه: روایاتی درباره مقام و منزلت شیعیان.
۹. علل الشرایع: علت برخی از احکام، عقاید و جریانات تاریخی.
۱۰. عیون أخبار الرضا: روایاتی درباره امام رضا (علیه السلام) و روایات برجسته آن حضرت.
۱۱. معانی الأخبار: ذکر روایاتی در شرح اصطلاحات قرآنی، روایی.
۱۲. فضائل رجب،
۱۳. فضائل شعبان،
۱۴. فضائل شهر رمضان
۱۵. کتاب من لایحضره الفقیه: روایات فقهی و بخش اندکی از روایات اخلاقی و مواعظ
۱۶. المقتنع (در علم فقه).
۱۷. الهدایه (در اصول دین و فروع فقهی).
۱۸. الاعتقادات (در عقاید و کلام روایی).

### کتاب من لایحضره الفقیه

نام کتاب: غالباً از آن به من لایحضره الفقیه یاد می کنند. ابن ادریس در سرائر برای آن پیوسته عنوان «من لایحضره فقیه» را، با حذف الف و لام، به کار برده است. عده ای همچون آقای بهبودی با نام «فقیه من لایحضره الفقیه» از آن نام برده اند. اما نام کامل این اثر «کتاب من لایحضره الفقیه است؛ عنوانی که مرحوم صدوق در مقدمه کتاب بدان تصریح کرده است. وی می گوید: «و أترجمه بکتاب من لایحضره الفقیه» که به اقتضای معنای عبارت ظاهراً لفظ «کتاب» نیز جزء عنوان است؛ یعنی «کتابی برای آن کس که دسترسی به فقیه ندارد». مؤید این نکته آن است که مرحوم صدوق نام این کتاب را از یکی از آثار محمد بن زکریای رازی به نام کتاب من لایحضره الطیب اقتباس کرده است. به این کتاب اختصاراً الفقیه نیز اطلاق می شود؛ چنان که بدان اشاره شده است.

زمان تألیف: شیخ صدوق تألیف فقیه را به سال ۳۶۸ هجری در ایلاق آغاز کرد و احتمالاً در همان سال به پایان برد.

موضوع کتاب: موضوع اصلی کتاب روایات فقهی است. شیخ صدوق در این کتاب مجموعه روایات اهل بیت (علیهم السلام) را درباره مسائل فقهی و احکام شرعی که از دیدگاه خود صحیح و معتبر می دانسته جمع آوری کرده است. مرحوم صدوق در لابه لای مباحث فقهی این کتاب، گاهی به تناسب بحث، برخی از ادعیه، زیارات و روایات اخلاقی را نیز آورده است؛ مثلاً پس از کتاب الحج (در پایان جلد دوم فقیه)، متن زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار، موضع قبر ایشان، زیارت جامعه کبیره و رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) را نقل کرده است. بخش پایانی نیز با عنوان «کتاب النوادر» دربردارنده وصایا و مطالبی اخلاقی از معصومین (علیهم السلام) و مشتمل بر ۱۵۸ حدیث است.

انگیزه نگارش: شیخ صدوق (ره) این کتاب را بدرخواست یکی از سادات بزرگوار شهر بلخ بنام ابوعبدالله محمد بن حسین معروف به «نعمه» نگاشته است. او از شیخ صدوق درخواست کرده بود مانند کتاب من لایحضره الطیب محمد بن زکریای رازی در علم طب، او هم کتابی در علم فقه به نگارش در آورد تا مورد استفاده کسانی قرار گیرد که به علما و فقهای بزرگ دسترسی ندارند و ایشان با مراجعه به آن کتاب بتوانند از احکام شرعی و وظایف خود آگاه گردند.

سبک نگارش: در قرون اولیه اسلامی محدثان شیعه در تألیف کتب فقهی عمدتاً به ذکر روایات و نقل سخنان ائمه (علیهم السلام) اکتفا می کردند و در بسیاری از موارد عیناً از تعبیر احادیث جهت بیان فتوای خویش استفاده می کردند. حتی اگر می خواستند کتابی غیر روایی به نگارش درآوردند سعی می کردند عیناً از الفاظ روایات استفاده کنند و سخنی غیر از سخن اهل بیت عصمت و طهارت ننویسند. کتاب من لا یحضره الفقیه نیز همچون اغلب آثار مرحوم صدوق به همین شیوه تألیف گردیده است. تألیفات ایشان عمدتاً نص روایت یا برگرفته از الفاظ روایات است. بعد از ایشان از زمان شیخ مفید کم کم این سبک تغییر کرد، زیرا با تغییر نیازهای روز و هجوم شبهات و ایرادات مخالفان و دشمنان اسلام و ورود عقاید و افکار انحرافی ابداع شیوه ای نو در تألیفات علما و فقهای شیعه اجتناب ناپذیر بود.

### منابع شیخ صدوق در تألیف فقیه:

شیخ صدوق در مقدمه فقیه، منابع آن را این گونه معرفی کرده است: «جَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمَعْوَلُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ مِثْلُ

۱. كِتَابِ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِي
۲. وَكِتَابِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ
۳. وَكِتَابِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارِ الْأَهْوَازِيِّ
۴. وَكِتَابِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ
۵. وَتَوَادِرِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى
۶. وَكِتَابِ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ تَصْنِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ ۱۲. وَغَيْرِهَا مِنَ الْأَصُولِ وَالْمُصَنَّفَاتِ الَّتِي طُرِقُوا إِلَيْهَا مَعْرُوفَةً»
۷. وَكِتَابِ الرَّحْمَةِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
۸. وَجَامِعِ شَيْخِنَا مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
۹. وَتَوَادِرِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
۱۰. وَكِتَابِ الْمَحَاسِنِ لِأَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ
۱۱. وَرِسَالَةَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى

کتاب من لا یحضره الفقیه در نگاه عالمان: محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل ضمن فایده پنجم می گوید: «بنا بتصريح اهل فن کتاب من لا یحضره الفقیه پس از کتاب کافی صحیح ترین و استوارترین کتابهاست». سید بحر العلوم نیز در این باره می نویسد: «برخی از عالمان روایات کتاب من لا یحضره الفقیه را بر روایات سایر کتب اربعه ترجیح می دهند و این به خاطر قدرت حافظه و ضبط و تأمل صدوق و دیگر به خاطر ضمانتی است که صدوق در صحت روایات داده و گفته است: قصد من آوردن همه روایات موجود نیست، بلکه قصد دارم روایاتی را که به آن فتوا و به صحت آن حکم می دهم و اعتقاد دارم که بین من و خدا حجّت است ذکر کنم و به همین خاطر گفته شده که مراسیل صدوق در من لا یحضره الفقیه مانند مراسیل ابن ابی عمیر حجّیت و اعتبار دارد و این از مزایای خاص کتاب من لا یحضره الفقیه است.»

### ساختار کتاب:

(الف) تعداد ابواب و احادیث: این کتاب در چاپهای رایج در چهار جلد تنظیم شده و مشتمل بر ۶۶۶ باب و قریب ۶۰۰۰ حدیث است. در مورد تعداد روایات این کتاب به علت اشتباه در احتساب فتاوی صدوق به عنوان حدیث، اختلاف وجود دارد. بنا به گفته آقابزرگ تهرانی در الذریعة این کتاب مشتمل بر ۵۹۹۸ حدیث که ۳۹۴۳ حدیث آن مسند و ۲۰۵۵ مورد آن حدیث مرسل است، می باشد.

### (ب) ترتیب کتاب:

۱. موضوع اصلی کتاب احکام فقهی است، و ابواب کتاب بر اساس ابواب و مباحث فقهی سامان یافته است. ابواب فقهی کتاب با باب «آبها و طهارت و نجاست آن» آغاز و با احکام ارث پایان می یابد.
۲. آخرین باب کتاب، «باب النوادر» با بیش از ۱۵۰ حدیث، مشتمل بر مواعظی از پی امیر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمة اطهار (علیهم السلام) است که در قالب وصیت، کلمات قصار و ... ایراد شده اند.
۳. کتاب مشیخة فقیه، که از آن برای اتصال اسناد فقیه استفاده می شود، آخرین بخش جلد چهارم چاپهای موجود را تشکیل می دهد.



## شیوه گزارش متن احادیث در فقیه:

۱. در برداشتن احادیث فقهی: مرحوم صدوق در پی تصنیف یک کتاب فقهی بوده است نه حدیثی، اما چون فقه ماثور از الفاظ روایات اخذ می شود متن کتاب عمدتاً از احادیث فقهی تشکیل یافته است.
۲. تصرف در متن حدیث: از آنجا که شیخ صدوق قصد داشته کتابی فقهی بر اساس احادیث تألیف کند در برخی از موارد به ذکر کامل الفاظ حدیث، تقید نداشته است. گاه در کتاب، تقطیع روایت، کم کردن اختصاری و زیادات توضیحی یا اکتفا به مقدار وافی به حکم فقهی به چشم میخورد.
۳. ذکر نکردن اخبار متعارض: از آنجا که هدف مرحوم صدوق نقل اخبار مطابق با فتوایش بوده از ذکر اخبار متعارض خودداری کرده است؛ جز در موارد اندک که روایت به ظاهر متعارض را ذکر و به رفع تعارض پرداخته است.
۴. ذکر برخی از روایات علل الاحکام: شیخ صدوق در فقیه نیز، به مناسبت، برخی از روایات علل احکام را ذکر کرده است؛ مثلاً ذیل عنوان «النهی عن السجود علی المأکول و الملبوس» می نویسد: قَالَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَخْبَرَنِي عَمَّا يَجُوزُ السُّجُودُ عَلَيْهِ ... قَالَ السُّجُودُ لَا يَجُوزُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ أَوْ عَلَى مَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا أَكَلَ أَوْ لَبَسَ فَقَالَ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ السُّجُودَ خُضُوعٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى مَا يُؤْكَلُ أَوْ يَلْبَسُ...
۵. ذکر برخی از روایات اعتقادی و اخلاقی: این کتاب گرچه اصالتاً کتابی فقهی است، اما علاوه بر وصایا و مواعظی که در باب النوادر در پایان کتاب آمده است به حسب مورد نیز تعدادی اندک از روایات اعتقادی و اخلاقی در آن نقل شده است؛ به عنوان مثال: وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ ...
۶. اشمال بر مطالبی غیر از حدیث: مطالب غیر حدیثی که شیخ صدوق در فقیه آورده است چند دسته اند:

۶.۱. آیاتی از قرآن: صدوق برخی از ابواب را با آیاتی متناسب از قرآن کریم آغاز کرده است؛ مثلاً «باب التمیم»

۶.۲. بیان و شرح حدیث: شیخ صدوق در ذیل برخی از روایات توضیحاتی را بیان کرده است. به عنوان مثال: وَقَالَ (الصَّادِقُ) عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا كُمْ وَمُخَالَطَةَ السَّفَلَةِ فَإِنَّهُ لَا يُثَوَّلُ إِلَى خَيْرٍ» قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ جَاءَتْ الْأَخْبَارُ فِي مَعْنَى السَّفَلَةِ عَلَى وَجْهِ فَمِنْهَا ...

۶.۳. بیان فتوای خویش: این فتاوی گاه به صورت مستقل در بابی مخصوص و بدون نقل روایت ذکر شده و گاهی قبل از ذکر احادیث باب و در لابه لای آنها آمده است؛

## شیوه گزارش اسناد در فقیه

۱. حذف اسناد جهت اختصار؛  
۲. استفاده از مشیخه برای مسند ساختن روایات؛  
از مجموع ۵۹۹۸ روایت کتاب حدود ۳۹۴۳ روایت را می توان با استفاده از مشیخه مسند ساخت.
- شیوه های حذف سند در کتاب من لا یحضره الفقیه:

۱. حذف تمام سند:

۱.۱. اکتفا به نسبت دادن حدیث به معصوم (علیه السلام)؛ مانند: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): إِنَّمَا الْأَعْمَى أَعْمَى الْقَلْبِ، ...

۱.۲. اکتفا به نقل متن بدون انتساب آن به شخصی خاص، که با عباراتی همچون «وفی روایة» و «وروی» صورت گرفته است؛ مانند: وَرَوَى أَنَّهُ مَا مِنْ

شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ كَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ إِلَّا الْبُكَاءَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهُ تُطْفِئُ بَحَارًا مِنَ النَّيْرَانِ.

۲.۱. اکتفا به ذکر راوی آخر؛ مثلاً: وَرَوَى الْحَلْبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

۲.۲. اکتفا به ذکر دو یا چند راوی آخر؛ مثلاً: وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام)

### مشيخه فقيه:

معنای مشيخه: مشيخه در لغت اسم مکان از «شیخ» به معنای محل ذکر مشایخ است. در اصطلاح آنرا چنین تعریف کرده اند: «فهرست» للأسناد الموصلة إلى المشايخ أو إلى كتبهم التي نُقلت منها الأخبار؛ فهرستی است از اسنادی که برای اتصال سند به مشایخ یا کتبی که روایات از آنها نقل شده است بکار میرود.

نکاتی درباره مشيخه فقيه:

۱. مشيخه طرحی نو برای اختصار اسناد است.
۲. ترتیب مشيخه: رجال مشيخه ظاهراً فاقد نظم و ترتیب است، اما با کمی تأمل روشن می شود که ترتیب مشيخه از ترتیب کتاب نشأت گرفته است؛ یعنی مرحوم صدوق تک تک اسناد را از آغاز کتاب ملاحظه نموده و اولین باری که به نام راوی خاصی برخورد کرده طریق خود را به وی در مشيخه آورده است. از آنجا که این ترتیب کار مراجعه به مشيخه را دشوار ساخته است، برای سهولت مراجعه فهرست های الفبایی تنظیم و در برخی از چاپهای کتاب به آن ملحق شده است.

۳. کامل نبودن مشيخه: مرحوم صدوق در مشيخه طریق خود را جمعاً به ۳۷۹ تن از مشایخش ذکر کرده است، اما طریق خود را به بیش از ۱۲۰ نفر، که نامشان در آغاز اسناد کتاب آمده، در مشيخه نیاورده است؛ کسانی مانند: ابی سعید مکاری، بُرید بن معاویه و سُدير صيرفي.

۴. نمونه ای از کاربرد مشيخه جهت اتصال سند: در کتاب فقيه روايتی با این سند ذکر شده است: «وَرَوَى عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابَّاطِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي الصَّائِمِ يَنْزِعُ ضِرْسَهُ قَالَ لَا وَلَا يَدْمِي فَمَهُ»؛ اما از آنجا که عمار بن موسی ساباطی از مشایخ مرحوم صدوق نیست با مراجعه به مشيخه می توان طریق مرحوم صدوق را تا عمار بن موسی ساباطی مشخص کرده و سند را از حالت تعلیق خارج ساخت. عبارت مشيخه چنین است:

«كُلُّ مَا كَانَ فِي هَذَا الْكِتَابِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ فَقَدْ رَوَيْتُهُ عَنْ أَبِي، وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَا) عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ»

### برخی از آرای شاذ فقهی شیخ صدوق:

- جواز وضو با گلاب: «وَلَا بَأْسَ بِالْوُضُوءِ وَالْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالِاسْتِيَاكِ بِمَاءِ الْوَرْدِ»؛ وضو و غسل جنابت و همچنین مضمضه کردن با گلاب اشکالی ندارد.
- جواز نماز خواندن در لباس آلوده به خمر: «وَلَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي ثَوْبٍ أَصَابَهُ خَمْرٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ شَرْبَهَا وَلَمْ يَحْرَمْ الصَّلَاةَ فِي ثَوْبٍ أَصَابَتْهُ»؛ نماز خواندن در لباس آلوده به خمر اشکالی ندارد، زیرا خداوند متعال شرب خمر را حرام کرده است، و نه نماز خواندن در لباس آلوده به خمر.
- وجوب غسل جمعه: «وَعُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ إِلَّا أَنَّهُ رُخِّصَ لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقَلَّةِ الْمَاءِ»؛ غسل روز جمعه بر مردان و زنان چه در سفر و چه در حضر واجب است، گرچه به زنان در سفر در صورت کمبود آب اجازه ترک غسل داده شده است.
- وجوب قنوت در نماز: «وَالْقُنُوتُ سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فِي كُلِّ صَلَاةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ» قنوت از واجبات نماز است و هرکس عمداً آن را در هر نمازی ترک کند نماز وی مقبول نیست.

- شروح کتاب: روضة المتقين في شرح أخبار ائمة المعصومين (۱۴ جلد، عربی) و لواعص صاحبقرانی (۸ جلد، فارسی)؛ هر دو از محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰ ه.ق).
- شرح مشیخه: مشیخة الفقیه، شرح و ترجمه و تعلیق محمدجعفر شمس الدین.
- تلخیص و ترجمه: گزیده من لایحضره الفقیه (۲ ج) از محمد باقر بهبودی.
- ترجمه: علی اکبر غفاری.
- معجم و راهنما: فهرس کتاب من لایحضره الفقیه، مجمع البحوث الإسلامیه.

### شیخ طوسی و تهذیب الاحکام

نگاهی به زندگانی شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (رحمه الله)

- سال ۳۸۵ ه.ق: تولد در ماه رمضان؛
- سال ۴۰۸ ه.ق: سفر به بغداد و حضور در درس شیخ مفید؛
- سال ۴۱۳ ه.ق: وفات شیخ مفید، و حضور در درس سید مرتضی؛
- سال ۴۳۶ ه.ق: وفات سید مرتضی، و انتقال مرجعیت و ریاست علمی شیعه به شیخ طوسی؛
- سال ۴۴۷ ه.ق: حمله ترکان سلجوقی به بغداد و براندازی حکومت آل بویه، به آتش کشیدن بغداد از جمله منزل، کتابخانه و کرسی تدریس شیخ طوسی؛
- سال ۴۴۸ ه.ق: هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف در پی وقایع سال ۴۴۷؛
- سال ۴۶۰ ه.ق: وفات در نجف و مدفون شدن در منزل خویش؛ رحمة الله علیه!

شیخ طوسی از نگاه عالمان:

نجاشی: «محمد بن الحسن بن علی الطوسی أبو جعفر جلیل فی أصحابنا، ثقة عین، من تلامذة شیخنا ابي عبد الله»؛ ابو جعفر محمد بن علی طوسی در میان علمای ما از جلالت خاصی برخوردار و دانشمندی موثق و گرا نقدر از شاگردان استاد ما ابو عبدالله (مفید) است.

دانشمندان اهل سنت، مانند ابن اثیر جزری، ابن کثیر شامی و ذهبی، در کتب خود هر جا به نام شیخ طوسی رسیده اند از او به عنوان «فقیه شیعه»، «پیشوای بزرگ شیعه» یا «مصنّف کتب بسیار» یاد کرده اند.

اساتید:

۱. شیخ مفید (۴۱۳ ه.ق)
۲. سید مرتضی (۴۳۶ ه.ق)
۳. ابوالحسن علی بن احمد بن ابي جید، زنده در ۴۰۸ هجری،
۴. احمد بن محمد بن موسی معروف به ابن صلت اهوازی (۴۰۹ ه.ق)
۵. حسین بن عبیدالله غضائری (۴۱۱ ه.ق)
۶. احمد بن عبدالواحد، معروف به ابن عبدون (۴۲۳ ه.ق)،

شاگردان:

۱. بسرش شیخ ابوعلی طوسی
۲. شهر آشوب مازندرانی (جدّ ابن شهر آشوب صاحب مناقب)
۳. قتال نیشابوری
۴. قاضی ابن براج
۵. محمد بن هبة الله طرابلسی
۶. عبدالجبار مقری
۷. اسحاق بن محمد قمی (نوه شیخ صدوق)
۸. سلیمان صهرشتی.

تالیفات شیخ طوسی:

## تفسیر:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن (ده جزء با مقدمه ای درباره قرآن و تفسیر)

## فقه:

۲. النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی (یک دوره فقه برگرفته از متون اخبار و روایات)

۳. المبسوط فی الفقه (شامل فروع فقهی به ضمیمه روایات فقهی)

۴. الخلاف (مسائل فقهی اختلافی بین مذاهب اسلامی)

## اصول فقه:

۵. العُدَّة فی الأصول یا عُدَّة الأصول (مبسوط ترین کتاب اصول نزد قدما)

## کلام:

۶. تلخیص الشافی فی الإمامة (تلخیص و تنظیم کتاب الشافی سید مرتضی)

۷. الغیبة للحجة (راجع به غیبت امام منتظر (عجل الله تعالی فرجه))

## ادعیه و زیارات:

۸. مصباح المتهدج فی أعمال السنَّة (کتاب منظمی در آداب و ادعیه و اعمال سال)

## رجال:

۹. فهرست (شامل نام و ترجمه بیش از ۹۰۰ نفر از مصنفان شیعه و کتب آنان)

۱۰. رجال طوسی (شامل اسامی قریب ۹۸۰۰ تن از راویان حدیث)

۱۱. اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی (خلاصه ای از کتاب رجال کشی است.)

## حدیث و اختلاف الحدیث:

۱۲. أمالی یا مجالس فی الأخبار (شامل موضوعات مختلفی همچون اصول دین، فضایل معصومین، ادعیه و ... که شیخ در نجف املا کرده است)

۱۳. تهذیب الأحکام

۱۴. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار

## تهذیب الأحکام

این کتاب در واقع شرحی بر کتاب المُقَنِّعَة، رساله فقهی استادش شیخ مفید، بوده است. شیخ طوسی قبل از ۲۸ سالگی شرح نویسی بر کتاب المُقَنِّعَة را آغاز کرد و تا هنگام رحلت استاد بزرگوارش (۴۱۳ ه.ق) کتاب طهارت را به اتمام رساند و باب اول کتاب صلاة را نیز شرح کرد. این مطلب از عباراتی که شیخ طوسی در لابلاي تهذیب برای شیخ مفید بکار برده کاملاً مشهود است، زیرا شیخ طوسی تا آخر باب اول از کتاب الصلاة تهذیب، عبارت «قال الشيخ ائده الله» را به کار برده است، ولی از باب دوم به بعد از عبارت «قال الشيخ رحمه الله» استفاده کرده است که حکایت از رحلت استاد در آن زمان دارد.

موضوع کتاب: گرچه شیخ مفید در المقنعه ابتدا پاره ای از مباحث اعتقادی را به اختصار مطرح کرده و سپس به مباحث فقهی پرداخته، اما شیخ طوسی در شرح این اثر صرفاً مباحث فقهی و گردآوری احادیث مربوط به آن را مد نظر قرار داده است.

انگیزه تألیف: شیخ طوسی در مقدمه تهذیب: «یکی از دوستانم، که مراعات حق ایشان بر من واجب است، از من درخواست کرد که احادیث اصحاب را جمع آوری و موارد اختلاف، تبیین، منافات و تضاد میان آنها را بررسی کنم؛ زیرا تقریباً خبری نیست مگر اینکه روایتی بر خلاف آن وارد شده است و حدیثی نیست مگر اینکه در برابر آن حدیثی نیز روایت شده است که با آن منافات دارد. کار اختلاف روایات به آنجا کشیده است که مخالفان به ما طعنه می زنند و این را از بزرگ ترین عیبهای مذهب ما به شمار می آورند و به این وسیله می خواهند مذهب ما را باطل اعلام کنند». بنابراین می توان

گفت که انگیزه شیخ طوسی انگیزه ای کلامی بوده است و کتاب تهذیب، اگرچه امروزه بیشتر به عنوان یک جامع حدیثی شناخته می شود، فقط با هدف جمع آوری احادیث تألیف نشده است، بلکه شیخ از این راه قصد تحکیم مبانی تشیع و رفع اختلاف احادیث را داشت تا موجبات طعن و اشکال مخالفان را از بین ببرد؛ از این رو برخی شیخ طوسی را اولین ناقد حدیث برای دفاع از تشیع دانسته اند.

ساختار کتاب: تهذیب مشتمل بر ۲۳ کتاب و ۳۹۳ باب است ۲۱۴ که بر اساس ابواب فقهی و مطابق با ترتیب کتاب مقنعه سامان یافته است؛ لذا از کتاب طهارت و صلوة آغاز و به کتاب ارث، حدود و دیات ختم می شود. بخش پایانی کتاب «مشیخه» است که از آن برای اتصال اسناد استفاده می شود.

تعداد روایات: این اثر در مجموع قریب به ۱۴۰۰۰ روایت دارد (طبق نقل الذریعة و لؤلؤة البحرین ۱۳۵۹۰ و طبق چاپهای جدید خود کتاب ۱۳۹۸۸ روایت) که بیشترین روایات فقهی را در بین کتب اربعه به خود اختصاص داده است.

شیوه تألیف تهذیب: با توجه به عبارات شیخ و مقایسه مجلدات تهذیب می توان دریافت که شیخ طوسی در ابتدا تألیف این کتاب را با شیوه ای خاص آغاز کرد و پس از تدوین بخشی از آن به نکاتی توجه کرد که بر اساس آن شیوه کار را تغییر داد. اینک به اختصار مشخصات این دو شیوه را بر می شماریم:

- مشخصه های شیوه اول
۱. نقل تک تک فتاوی مقنعه و پس از آن اشاره به ادله مختلف آن فتوا، اعم از قرآن، سنت و اجماع؛
  ۲. نقل برخی از روایات عامه؛
  ۳. شیخ در ابتدا بنا نداشته است تمام یا اکثر روایات شیعه در هر موضوع را گرد آورد، بلکه قصد داشته پس از اتمام شرح مقنعه کتابی مستقل و جامع تمام یا اکثر روایات شیعه تألیف کند.
- عدول از شیوه اول: شیخ ۱۳ باب اول کتاب طهارت را بر همین منوال نوشت؛ از این رو در کتاب طهارت روایاتی از عامه و نیز مباحث مختلف و سودمندی در زمینه های قرآنی، ادبی، لغوی و اصولی به چشم می خورد. اما از این پس احساس کرد این شیوه شرح نویسی گسترده از یک سو او را از غرض اصلی تألیف، که آوردن روایات متعارض و تلاش برای جمع بین آنها بود، باز می دارد و از سوی دیگر کتاب بر تمامی روایات فقهی مشتمل نخواهد بود؛ لذا شیوه جدیدی را بدین نحو در پیش گرفت.

- مشخصه های شیوه دوم:
۱. نقل نکردن روایات عامه و نیز مباحث قرآنی، ادبی و... واکتفا به ذکر گسترده روایات خاصه (شیعه)، اعم از اینکه روایات با هم موافق باشند یا متعارض؛
  ۲. اختصار در سند؛ یعنی شروع سند با نام کسانی که روایت را از کتاب یا اصل آنها گرفته است و تکمیل اسناد به کمک مشیخه؛
  ۳. افزودن ابواب زیادات: از آنجا که شیخ (رحمه الله) تصمیم به جمع آوری تمام روایات هر باب داشت، اعم از اینکه در مقنعه بدان اشاره شده باشد یا نه، پس از تغییر شیوه، مسائل جدید را جداگانه در بخش هایی به نام «باب الزیادات» جمع آوری و به ابواب پیشین ملحق کرده است. ابواب الزیادات تنها در سه جلد نخست تهذیب وجود دارند؛ مانند باب الزیادات کتاب طهارت که عملاً مستدرکی بر کتاب الطهاره است.

- ویژگیها و امتیازات تهذیب الأحکام
۱. بیشتر بودن حجم روایات فقهی: فروع کافی ۱۱۰۲۱ روایت دارد، ۲۱۸ در حالی که تهذیب دارای ۱۳۹۸۸ روایت است.
  ۲. اشتغال بر مجموعه نسبتاً کاملی از روایات به ظاهر متعارض و غیرمتعارض (روایات مختلف و موافق)
  ۳. ارائه شیوه عملی در جمع بین روایات متعارض: شیخ با توجه به جامعیت علمی اش و بهره گیری از دانش اساتید بزرگ، تجربه های عملی کارآمدی را در چگونگی برخورد با روایات و تأویل یا جمع عرفی بین آنها ارائه می دهد؛ هرچند همه تأویلهای جمعهای شیخ مورد پذیرش نباشد.
- برخی شیوه های شیخ طوسی در تأویل و جمع روایات:

- |                     |                      |                           |
|---------------------|----------------------|---------------------------|
| ۱. بیان معانی اخبار | ۴. حمل بر استحباب    | ۷. حمل مطلق بر مقید،      |
| ۲. حمل بر تقیه      | ۵. حمل بر رخصت،      | ۸. حمل بر انکار نه اخبار، |
| ۳. حمل بر ضرورت     | ۶. حمل مجمل بر مفصل، | ۹. حمل بر انشاء نه اخبار. |

## استبصار فیما اختلف من الأخبار

زمان تألیف: آن گونه که از مشیخه استبصار استفاده می شود، شیخ طوسی این کتاب را پس از دو کتاب فقهی خود، یعنی تهذیب و النهایة، نوشته است.

موضوع کتاب: این کتاب در حقیقت نوعی تلخیص تهذیب الاحکام است که تنها به گردآوری روایات مختلف و جمع میان آنها پرداخته است. بنابراین موضوع کتاب صرفاً روایات فقهی متعارض (مختلف) است.

انگیزه تألیف: شیخ طوسی انگیزه خود را چنین بیان کرده: «گروهی از اصحاب عالم ما چون کتاب بزرگمان به نام تهذیب الأحکام و روایاتی را که درباره حلال و حرام در آن جمع آوری کرده بودیم دیدند و ملاحظه کردند که مشتمل بر اکثر روایات فقه و ابواب احکام است ... خواستند که جداگانه و به اختصار به احادیث اختلافی پرداخته شود ... از این رو از من درخواست کردند تا کتاب دیگری به نگارش درآورم و در آن ابتدا احادیث مطابق فتوا و سپس روایات مخالف را جمع آوری کنم و به بررسی وجه جمع میان آنها بپردازم.»

ساختار کتاب:

- مقدمه: شامل بیان انگیزه تألیف کتاب، بحث مفیدی درباره تقسیم
- خبر به واحد و متواتر؛ بیان قرائن موجب علم آور شدن خبر واحد؛
- دو بخش اول: عبادات
- بخش سوم: دیگر ابواب فقهی از معاملات تا حدود و دیات.
- مبانی ترجیح در خبرهای واحد متعارض.
- آخرین قسمت: مشیخه یا سند کتاب.

تذکر: ۱. اگرچه کتاب استبصار، همچون تهذیب، به ترتیب ابواب فقهی (از کتاب طهارت تا دیات) تنظیم شده است، ولی شامل همه ابواب فقهی نیست، بلکه تنها به ابوابی پرداخته که روایات متعارض در آن وارد شده است.

۲. تمام روایاتی که در استبصار وجود دارد در تهذیب نیز آمده است؛ از این رو روایات این کتاب چیزی بیش از روایات تهذیب را دربر ندارد و ظاهراً چون تنها کتاب اختصاصی در روایات متعارض بوده است جزء کتب اربعه شمرده شده است.

تعداد روایات: استبصار طبق شمارش مؤلف شامل ۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث است.

ویژگیها و امتیازات استبصار:

۱. اولین کتاب در فقه شیعه است که مستقلاً به جمع بین روایات مختلف پرداخته است.
۲. مرحوم شیخ مبانی ترجیح روایتی بر روایت دیگر را در مقدمه کتاب استبصار آورده است که خود یکی از منابع قدیمی فقه الحدیث شیعه است.
۳. شیخ، خود کتاب استبصار را به سه جزء تقسیم کرده و همچنین تعداد روایات هر بخش را شمارش کرده است تا در آن کم و زیادی رخ ندهد.
  - بخش اول مشتمل بر ۳۰۰ باب و ۱۸۷۹ حدیث (در نسخ چاپی ۱۸۹۹ حدیث)،
  - بخش دوم شامل ۲۱۷ باب و ۱۱۷۷ حدیث
  - بخش سوم حاوی ۳۹۸ باب و ۲۴۵۵ حدیث است.

در چاپهای اخیر استبصار، که با تحقیق سید حسن موسوی خراسان انجام گرفته، تعداد کل روایات ۵۵۵۸ عدد ثبت شده است و عوامل این اختلاف تعدد اسناد یک روایت، تکرار حدیث و تفاوت نسخ یاد شده است.

خصوصیات مشترک تهذیبین:

۱. شیخ با دسترسی به بس یاری از اصول اربعه‌آمّه و تألیفات اصحاب، که در آن زمان در کتابخانه‌های بزرگ شیعه، همچون کتابخانه سید مرتضی و کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد، موجود بود، و درج این روایات در تهذیبین آنها را از نابودی حفظ کرد.

۲. شیخ طوسی با توجه به اطلاعات دقیق حدیثی، رجالی، فقهی، اصولی و کلامی توان خود را در جمع بین روایات مختلف نشان داده است.

۳. شیخ در آغاز هر باب ابتدا روایات معتبر و مشهور بین اصحاب و سپس اخبار منافی و مخالف آن را آورده است و به رفع تعارض و بیان وجه جمع بین آنها پرداخته و کوشیده است بر وجه جمعی که ذکر کرده شاهد روایی بیابد.

۴. یکسان بودن شیوه گزارش اسناد در تهذیبین: شیخ در این دو کتاب گاه مانند کافی تمام سند را آورده و گاه مانند فقیه آغاز سند را حذف و برای اتصال از مشیخه و فهرست استفاده کرده است. ذکر کامل سند در ابواب آغازین تهذیبین بیشتر به چشم میخورد. آمار زیر به خوبی این نکته را تأیید میکند.

مقایسه ذکر اسناد کامل در مجلدات استبصار

- ج ۱ کتاب الطهارة: ۲۱۸ سند کامل
- ج ۲ کتاب الزکاة: ۲۰ سند کامل
- ج ۳ کتاب الجهاد: ۱ سند کامل
- کتاب الصلوة: ۷۶ سند کامل
- کتاب الحج: ۳ سند کامل
- کتاب النکاح: ۱ سند کامل.

نکاتی درباره مشیخه تهذیبین

- یکسان بودن مشیخه هر دو کتاب که مشتمل بر طریق به ۳۷ نفر از صاحبان کتب و اصول است.
- کافی نبودن مشیخه برای مسند ساختن همه روایات معلق: شیخ نام بسیاری از روایات اول سند را که تعداد روایت وی از آنها کم بوده در مشیخه نیاورده و به کتب فهرست، همچون کتاب فهرست خویش، حواله داده است. گرچه طریق به برخی از این روایات در کتب فهرست نیز یافت نمیشود.

برخی از اشکالات وارد شده بر تهذیبین

الف) نقل روایات ضعیف: برخی از عالمان بر شیخ خرده گرفته اند که در این کتاب همه گونه روایات، اعم از صحیح یا ضعیف، را روایت کرده است. ابن ادریس آورده است: «إِنَّ الشَّيْخَ نَقَلَ فِي تَهْذِيبِهِ كُلَّ غَثٍّ وَ سَمِينٍ»؛ شیخ در کتاب تهذیب هر سره و ناسره ای را نقل کرده است. علامه شوشتری نیز می گوید: «إِنَّ الشَّيْخَ أوردَ كُلَّ غَثٍّ وَ سَمِينٍ وَ كُلَّ مَا صادَفَهُ»؛ شیخ هر سره و ناسره ای و هر روایتی را که به آن برخورد کرده آورده است.

پاسخ) در این باره می توان گفت که هدف شیخ نقل روایات به ظاهر متعارض و ارائه شیوه‌هایی برای رفع تعارض میان آنها بوده است و نخواستن است روایات را فوراً به خاطر ضعف سندشان کنار گذارد. علاوه بر اینکه وی روایات صحیح را در آغاز هر باب و روایات ضعیف را در آخر باب آورده است تا از آمیخته شدن آنها جلوگیری کند.

ب) وقوع خطا و تحریف در نقل سند و متن روایات: برخی از عالمان یکی از اشکالات وارد بر شیخ را وقوع خطا و تحریف در نقل سند و متن روایات دانسته اند. محدث بحرانی می گوید: «قد وَقَعَ للشَّيْخِ سَيِّمًا فِي التَّهْذِيبِ مِنَ السَّهْوِ وَ الغَفْلَةِ وَ التحْرِيفِ وَ النُّقْصَانِ فِي مَتُونِ الأَخْبَارِ وَأَسَانِيدِهَا وَقَلَّمَا يَخْلُو خَيْرٌ مِنْ عِلَّةٍ مِنْ ذَلِكَ»؛ برای شیخ، به خصوص در کتاب تهذیب او، اشتباه و تحریف و نقصان در متون و اسانید روایات رخ داده است و این اشکالات در اکثر روایات این کتاب وجود دارد. میرداماد نیز می گوید: «والعِلَّةُ فِي أَخْبَارِ كِتَابِي التَّهْذِيبِ وَ الاستبصارِ مَتْنًا وَ سندا غَيْرُ نادرَةٍ»؛ ضعفهای سندی و متنی در روایات دو کتاب تهذیب و استبصار کم نیست.

پاسخ: در این باره باید گفت: بلی در مقایسه این دو کتاب با کافی بی شک کتاب کافی از اتقان و استواری بیشتری در نقل روایات بر خوردار است که حاکی از اضطراب بودن و صرف وقت و دقت بیشتر مرحوم کلینی در نقل اسناد و متون است، اما این مطلب هرگز به معنای غیرقابل اعتماد بودن و اعتبار نداشتن روایات تهذیبین نیست.

شروح و حواشی تهذیبین: بر اساس نقل شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه، شانزده شرح و بیست حاشیه بر کتاب تهذیب نوشته شده است؛ از جمله:

۱. تهذیب الأکمام از قاضی نورالله مرعشی (۱۰۱۹ ه.ق).
  ۲. إحياء الأحادیث از محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ ه.ق).
  ۳. ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار در ۱۶ جلد از محمدباقر مجلسی.
  ۴. غایة المرام در ۸ جلد از سید نعم تالله جزایری (۱۱۱۲ ه.ق).
  ۵. و مقصود الأنام در ۱۲ جلد؛ از سید نعم تالله جزایری (۱۱۱۲ ه.ق).
- تهذیب الاحکام توسط محمدیوسف بن محمدابراهیم گورکانی به فارسی ترجمه شده است.
- شروح استبصار:

- ✓ استقصاء الاعتبار از شیخ محمد بن حسن، نوة شهید ثانی.
- ✓ شرح میرداماد، محمدباقر بن محمد الحسینی الاسترآبادی.
- ✓ کشف الأسرار فی شرح الاستبصار سید نعمت الله جزایری.
- ✓ شرح ملا محمدامین استرآبادی.

### فیض کاشانی و کتاب وافی

نگاهی به زندگی و تحصیلات فیض (رحمه الله)

- محمد بن مرتضی، مشهور به ملا محسن فیض کاشانی، متولد سال ۱۰۰۷ هجری در کاشان
  - پدرش: شاه مرتضی، مردی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب بود.
  - مقدمات علوم دینی را در کاشان نزد عمو و دایی اش فرا گرفت
  - در ۲۰ سالگی همراه برادرش عبدالغفور برای ادامه تحصیل به اصفهان، عزیمت کرد.
  - همچنین در طی سفری به شیراز به مدت دو سال نزد سید ماجد بحرانی (۱۰۲۸ ه.ق) به فراگیری علم حدیث پرداخت و از وی اجازه نقل روایت گرفت.
  - دوباره به اصفهان بازگشت و از محضر درس شیخ بهایی (۱۰۳۱ ه.ق) بهره مند شد.
  - در دوران ریاضت ملا صدرا در کهک قم وی به همراه ملا عبدالرزاق لاهیجی مدت هشت سال از محضرش بهره برد.
  - ملا صدرا آن دو را به دامادی برگزید و لقب «فیض» و «فیاض» را بر آنها نهاد.
  - با مراجعت ملا صدرا به شیراز فیض نیز به همراه استاد مجدداً به شیراز سفر کرد و حدوداً دو سال در آنجا ماند.
  - سپس به کاشان بازگشت و به تدریس، تبلیغ و تألیف مشغول شد.
  - سرانجام فیض کاشانی پس از ۸۴ سال عمر پربرکت در سال ۱۰۹۱ هجری در زادگاهش کاشان چشم از جهان فرو بست.
- اساتید و شاگردان: برخی از اساتید وی عبارت اند از:

۱. محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ ه.ق)
  ۲. و شیخ بهایی (۱۰۳۰ ه.ق)
  ۳. و سیدماجید بحرانی (۱۰۲۸ ه.ق)؛ اساتید وی در فقه، حدیث و تفسیر.
  ۴. صدرالدین شیرازی (۱۰۵۰ ه.ق)
  ۵. و میرداماد (۱۰۴۱ ه.ق)؛ استاد وی در فلسفه، عرفان.
- برخی از شاگردان وی عبارت اند از:
۱. فرزندش محمد، مشهور به «علم الهدی»
  ۲. محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰ ه.ق)
  ۳. سید نعمه الله جزائری (۱۱۱۲ ه.ق)
- تالیفات فیض کاشانی
- تفسیر: صافی؛ اصفی



- حدیث: وافی (مجموع روایات کتب اربعه) شافی (خلاصه وافی با حذف اسناد و روایات متعارض) نوادر الأخبار (احادیث غیرمذکور در کتب اربعه)
- اخلاق: المَحَجَّةُ البیضاء فی إحياء الأحياء (اصلاح احياء العلوم غزالی)

## کتاب وافی

نام کتاب و وجه تسمیه آن: مرحوم فیض کاشانی کتاب خود را الوافی نامیده است و در اینباره می نویسد: «سمّیته بالوافی لوفائه بالمهمّات وكشف المبهمات»: این کتاب را از آن جهت وافی نامیدم که تمام مباحث مهم را دربر دارد و از مطالب مبهم پرده برمی دارد.

موضوع کتاب: مرحوم فیض همه روایات کتب اربعه، اعم از اصول و فروع و معارض و موافق و ... را آورده است و به همین خاطر وافی جامع اصول و فروع و روایات متعارض و غیرمتعارض است.

انگیزه تألیف و افی: مرحوم فیض در مقدمه کتاب وافی انگیزه خود از تألیف این کتاب را مشا هده کاستی های موجود در کتب اربعه بیان کرده است.

کاستی های کتب اربعه از نظر مرحوم فیض کاشانی:

- کامل نبودن هر یک از کتب اربعه به تنهایی؛
- پراکندگی روایات هم مضمون؛
- سختی مراجعه به آنها بعلت اختلاف عناوین ابواب هر یک از کتابها؛
- وجود روایات تکراری در کتب اربعه؛

کاستی های کافی

- بسیاری از احکام را ذکر نکرده و ابواب آنها را به صورت کامل نیاورده است.
- در بسیاری از مواقع تنها به یک طرف اخبار مختلف (متعارض) اکتفا کرده و روایات طرف مقابل را نیاورده است.
- برخی از روایات مبهم و مشکل را بدون شرح واگذاشته است.

کاستی های کتاب من لا یحضره الفقیه

- علاوه بر اینکه بسیاری از کاستی های کافی را دارد روایات اصول نیز در آن نیامده است.
- شامل بسیاری از ابواب و فصول نیست.

گاهی کلام مؤلف در ذیل یک حدیث با خود حدیث مشتبه م یشود.

- در بسیاری از موارد حدیث را به صورت مرسل و بدون سند ذکر م یکنند.

کاستی های تهذیب

- مانند کتاب فقیه روایات اصول را ندارد.
- گاه تأویلات دور از ذهن و نادرستی برای جمع بین روایات مختلف ذکر کرده است.
- گاهی روایاتی که باید در یک جا ذکر کنند متفرق کرده و آنها را که باید متفرق ذکر کند یک جا آورده است.
- بسیاری از روایات را در جای مناسبشان ذکر نکرده است.
- دارای تکرارهای ملال تبار و تطویل ابواب است.
- عناوین ابواب نارسا و مخل است.

کاستی های استبصار

- از آنجا که استبصار بخشی از تهذیب است همان اشکالات را در خود دارد.
- در برخی از کتب، ابواب و روایات، حسن ترتیب را رعایت نکرده است.

ساختار کتاب: وافی دارای ۳ مقدمه، ۱۴ جزء و یک خاتمه است. یک خاتمه (شامل مشیخة فقیه و تهذیبین)

۱. مقدمه اول: شیوة شناخت علوم دینی.
۲. مقدمه دوم: درباره شناخت اسانید و شامل مباحث سودمندی درباره اسناد روایات کتب اربعه است؛ مانند:
  - ۲.۱. ذکر نمونه هایی از اسامی مشترک در سند،
  - ۲.۲. تفاوت صحیح قدما و متأخران
  - ۲.۳. شهادت مؤلفان کتب اربعه بر صحت روایات کتبشان
  - ۲.۴. اصحاب اجماع
  - ۲.۵. اضمار، اضطراب و ارسال در سند
  - ۲.۶. القاب و کنیه های ائمة اطهار در روایات
  - ۲.۷. طرق فیض به کتب اربعه
۳. مقدمه سوم: مؤلف در این مقدمه به بررسی برخی از اصطلاحات و قواعد پرداخته است؛ مانند: شیوة محمدون ثلاث اول در ذکر اسناد کتب اربعه؛ شیوة مرحوم فیض در ذکر اسناد و بیان انواع اختصارهایی که به کار برده است؛ ترتیب ابواب وافی؛ و ....
۴. جزءهای چهارده گانه وافی
  - ۴.۱. کتاب العقل و العلم و التوحید.
  - ۴.۲. کتاب الحجبه.
  - ۴.۳. کتاب الإیمان و الکفر.
  - ۴.۴. کتاب الطهارة و التزین.
  - ۴.۵. کتاب الصلاة و الدعاء و القرآن.
  - ۴.۶. کتاب الزکاة و الخمس و المبرآت (مبرات شامل مباحث: قرض، عتق، مکاتبه، وقف و هبه است).
  - ۴.۷. کتاب الصیام و الاعتکاف و المعاهدات.
  - ۴.۸. کتاب الحج و العمرة و الزیارات.
  - ۴.۹. کتاب الحسبة و الأحکام و الشهادات (کتاب الحسبة شامل مباحث حدود، جهاد، قصاص و دیات است).
  - ۴.۱۰. کتاب المعایش و المكاسب و المعاملات (مباحثی همچون صناعات، تجارات، زراعات، اجاره، دیون، ضمان، رهن و امانات).
  - ۴.۱۱. کتاب المطاعم و المشارب و التجمّلات (تجمّلات شامل مباحثی همچون: ملابس، مراکب، مساکن، و دواجن است).
  - ۴.۱۲. کتاب النکاح و الطلاق و الولادات.
  - ۴.۱۳. کتاب الجنائز و الفرائض و الوصیات (کتاب الفرائض مشتمل بر مباحث ارث است).
  - ۴.۱۴. کتاب الروضة الجامعة للمتفرقات.
۵. خاتمه وافی: شامل مشیخة فقیه، تهذیب و استبصار و به ترتیب الفبا تنظیم شده و برای رعایت اختصار، اسامی برخی راویان به صورت مختصر آمده. شیوه ای نو در دسته بندی موضوعات: همانگونه که مشاهده شد فیض در دسته بندی اجزای وافی از شیوه هیچ یک از کتب اربعه پیروی نکرده است.

تعداد روایات: اساس شماری که در چاپ جدید آن انجام گرفته است مشتمل بر ۲۵۷۰۳ حدیث است. این عدد می تواند نشان دهنده تعداد تقریبی روایات کتب اربعه با حذف مکررات آنها نیز باشد.

زمان تألیف: فیض کاشانی آن گونه که خود تصریح کرده در سال ۱۰۶۸ ه.ق؛ پس از نه سال و یک ماه تلاش، تألیف این مجموعه عظیم را به پایان برد.

مشخصات و مزایای وافی:

۱. دربرداشتن تمامی متون احادیث کتب اربعه، اعم از اصول و فروع، و اسناد آنها.
  ۲. حذف احادیث تکراری کتب اربعه.
  ۳. توضیح و شرح مختصر بسیاری از روایات با عنوان «بیان».
  ۴. کنار هم قرار گرفتن روایات مرتبط با یک موضوع از کتب اربعه.
  ۵. مشخص کردن اختلافات عمده سندی یا متنی بین کتب اربعه.
  ۶. بیان جمع و تأویل احادیث متعارض.
  ۷. ذکر آیات قرآنی متناسب در آغاز هر کتاب و برخی از ابواب که غالباً بدون شرح و تفسیر است.
- شیوه گزارش متن در وافی
۱. در نقل متن چنانچه بین کتب اربعه زیاده یا نقصانی در متن حدیث وجود داشته است این موارد در وافی مشخص شده اند.
  ۲. اگر تفاوت متنها به سبب تبدیل الفاظ بوده است نه زیاده یا نقصان، در صورتی که تفاوت اندک بوده و معنا تغییر نمی کرده است به آوردن لفظ و اضح تر یا لفظی که مؤلف آن مقدم باشد اکتفا شده است؛ اما اگر تفاوت متنها زیاد بوده یا معنا تغییر می کرده است مجدداً روایت متفاوت را با سندش ذکر کرده اند.
  ۳. به برخی از اختلاف نسخها نیز اشاره شده است.
- شیوه گزارش اسناد در وافی
۱. در نقل سند بر اساس کتابی که روایت از آن نقل شده عمل کرده است؛ از این رو در صورتی که سند کامل بوده، کامل و اگر بخشی از آن نقل شده، همان بخش را نقل کرده است؛ لذا برای تکمیل اسناد فقیه و تهذیبین مشیخه آنها را در خاتمه کتاب آورده است.
  ۲. فیض در اسامی روات، با وضع تعابیر اختصاری ویژه ای سعی کرده است سندها را تا حد زیادی مختصر سازد.
- برخی از شیوه های اختصار سند
- ۲.۱. تشبیه یا جمع بستن اسم یا نسبت؛ مانند: «القَمِیان» به جای «ابوعلی الاشعری عن محمد بن عبدالجبار».
  - ۲.۲. استفاده از عدد به جای اسامی روات؛ مانند: «الثلاثة» به جای «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر».
  - ۲.۳. به کار بردن نسبت یا وصف به جای نام کامل راوی؛ مانند: «سرّاد» به جای «حسن بن محبوب».
  - ۲.۴. اکتفا به اسم و حذف نام پدر؛ مانند: «محمد» در ابتدای سند به جای «محمد بن یحیی العطار».
۳. چنانچه حدیثی با اسناد متعدد در یک یا چند کتاب نقل شده باشد:
  - ۳.۱. اگر تمام سند مختلف باشد، ابتدا سند و متن را از کافی نقل و سپس سایر اسناد را بدون تکرار متن ذکر کرده است.
  - ۳.۲. اگر سندها صرفاً در نام معصوم و راوی که از معصوم (علیه السلام) نقل کرده است مشترک باشند، ابتدا اسناد مختلف را با ذکر علامت آن کتاب آورده و سپس متن را نقل کرده است؛

۳.۳. در مواردی هم که تنها بخشی از سند مختلف بوده است مؤلف سعی کرده به نحوی عمل کند که بخشهای مشترک و مختلف سند از هم قابل تشخیص باشد.

علت کم توجهی به کتاب وافی

۱. اکتفا کردن مرحوم فیض به کتب اربعه و گردآوری نکردن روایات از دیگر کتب حدیثی.
۲. تدوین کتاب وسائل الشیعه با فاصله اندکی پس از وافی و استقبال فقیهان از این کتاب.
۳. رعایت نکردن ترتیب رایج و متعارف کتابهای فقهی شیعه.
۴. استفاده از رموز و علائم اختصاری خاص (اختصارهای غیرمتعارف).

## علامه مجلسی و بحار الأنوار

نگاهی به زندگی علامه مجلسی

ولادت: محمدباقر بن محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، معروف به علامه مجلسی و مجلسی ثانی در سال ۱۰۳۷ هجری (که با عدد ابجد مساوی جمله "جامع کتاب بحار الأنوار" است) در شهر اصفهان در خانواده ای اهل علم و فضیلت دیده به جهان گشود.

خاندان: خاندان علامه مجلسی از جمله پرافتخارترین خاندانهای شیعه در قرون اخیر است. در این خانواده نزدیک به یکصد عالم وارسته و بزرگوار دیده می شود. از جمله پدر بزرگش ملا مقصود؛ پدرش علامه، مولی محمدتقی مجلسی، معروف به مجلسی اول (۱۰۷۰-۱۰۰۳.ق).

تحصیلات: علامه مجلسی تحصیلات خود را از چهار سالگی نزد پدر علامه اش آغاز کرد.

- در ۱۴ سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملاصدرا اجازه روایت گرفت.
- علامه مجلسی در تمامی علوم اسلامی رایج آن عصر به تحصیل پرداخت،
- از آنجا که پدرش گرایش حدیثی داشت و خود نیز تمامی علوم را برگرفته از حدیث می دانست، ادامه تحصیلات خود را صرف پژوهشهای حدیثی کرد.
- علامه محمدباقر مجلسی در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول، تاریخ، رجال و درایه سرآمد عصر خود بوده که نگاهی اجمالی به مجموعه عظیم بحار الأنوار این نکته را به خوبی آشکار می سازد.
- این علوم در کنار علوم عقلی همچون فلسفه، منطق، ریاضیات، ادبیات، لغت، جغرافیا، طب، نجوم و علوم غریبه از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.
- وفات: در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۱۱۰ هجری در سن ۷۳ سالگی در شهر اصفهان چشم از جهان فرو بست و در مسجد جامع اصفهان در جوار قبر پدر علامه اش مدفون گردید.

اساتید:

- پدرش محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰.ق) استاد علامه در علوم نقلی.
- آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸.ق) استاد وی در علوم عقلی.
- مولی محمدصالح مازندرانی از مشایخ اجازه علامه.
- مولی محسن فیض کاشانی از مشایخ اجازه علامه.

شاگردان

- سید نعمه الله جزائری (۱۱۱۲.ق)، مؤلف کتاب کشف الاسرار فی شرح الاستبصار.
- سید علی خان مدنی (۱۱۲۰.ق)، مؤلف کتاب ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین.
- میرزا عبدالله افندی اصفهانی (حدوداً ۱۱۳۰.ق)، مؤلف کتاب ریاض العلماء.

برخی از آثار و تالیفات علامه مجلسی

۱. حلیة المتقین: آداب و مستحبات زندگی فردی و اجتماعی.
۲. حیات القلوب: زندگی انبیا و ائمة اطهار (علیهم السلام) در سه جلد.
۳. زاد المعاد: ادعیه.
۴. تحفة الزائر: زیارات.
۵. عین الحیاة: مواعظ برگرفته از آیات و روایات معصومان(ع)
۶. بحار الأنوار: دائرة المعارف احادیث شیعه در ۱۱۰ جلد.
۷. مرآة العقول: شرح کافی در ۲۶ جلد.
۸. ملاذ الاخیار: شرح تهذیب الأحکام در ۱۶ جلد.
۹. الوجیزة فی الرجال: در علم رجال.

علامه و احیای کتب حدیثی شیعه: مجلسی در راستای فعالیت‌های حدیثی خود پیش از تألیف بحار، ۲ اقدام مهم جهت احیای کتب روایی شیعه انجام داد:

- تفحص برای یافتن کتابهای معتبر حدیثی.
- تصحیح و استنساخ نسخ‌های به دست آمده.

### کتاب بحار الأنوار

نام کتاب: نام کامل: بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام؛ به معنی: دریاهاى نور، دربرگیرنده گهرهای احادیث پیشوایان (پاک).

موضوع کتاب: کتاب بحار الأنوار، دائرة المعارف بزرگ حدیث شیعه است که تمام مسائل دینی را دربرگرفته است و هیچ موضوعی از موضوعاتی را که امامان شیعه در آن موضوع سخنی گفته باشند، نمی‌توان یافت، مگر آنکه در این کتاب به شکلی مطرح شده است. از همین رو این کتاب شامل مباحث مختلف اسلامی از تفسیر قرآن و تاریخ تا فقه و کلام و ... است و به حق آن را دایرة المعارف تشیع نامیده‌اند.

انگیزه تألیف بحار:

- جلوگیری از فراموشی مجدد یا نابودی کتب حدیثی؛
  - دستیابی راحت به تمامی احادیث یک موضوع.
- مراحل تدوین بحار الأنوار

- مرحله اول: تهیه فهرست موضوعی برای احادیث ۱۰ کتاب حدیثی غیر فقهی؛
- مرحله دوم: استخراج روایات از کتب مختلف حدیثی و تنظیم آنها بر اساس فهرست مذکور؛

زمان تألیف:

- شروع کار: سال ۱۰۷۰ ه.ق
- سال ۱۰۷۷: مجلدات ۲ و ۵ و ۱۱ و ۱۲.
- سال ۱۰۷۸: مجلد ۱۳
- سال ۱۰۷۹: مجلدات ۹ و ۱۰
- سال ۱۰۸۰: مجلدات ۳ و ۴
- سال ۱۰۸۱: مجلد ۲۲
- سال ۱۰۸۴: مجلد ۶
- سال ۱۰۸۶: مجلد ۷
- سال ۱۰۹۷: مجلد ۱۸
- سال ۱۱۰۴: مجلد ۱۴

منابع بحار الأنوار:

- ✓ مرحوم مجلسی در فصل اول از مقدمه بحار، ابتدا نام ۳۷۸ کتاب شیعی را به عنوان مصادر بحار آورده
- ✓ به آثاری دیگر با کلماتی چون «و غیره» و «و سایر آثاره» اشاره نموده است
- ✓ تصریح می‌کند اکثر آنچه در بحار آمده است از این کتابها است، گرچه از برخی از این کتابها اندک نقل شده است.
- ✓ میزان استفاده علامه مجلسی از منابع مختلف یکسان نیست
- ✓ وی برای حدود ۸۰ منبع از مصادر بحار اسم رمز مشخص کرده است که این کتب در حقیقت منابع اصلی بحار به شمار می‌روند

- ✓ سپس ۸۵ منبع از اهل سنت را نیز نام برده که در تدوین بحار از آنها استفاده کرده است.
  - ✓ برخی از محققان با بررسی مطالب نقل شده در بحار، نام ۶۲۹ مصدر از منابع این کتاب را مشخص کرده اند.
  - ✓ این منابع از حیث تنوع موضوعات بسیار گسترده اند و شامل کتب حدیث، فقه، اصول، تفسیر، رجال، انساب، تاریخ، کلام، فلسفه و لغت می شوند.
  - ✓ بخش زیادی از این منابع (غیر حدیثی) به منظور شرح و تبیین روایات مورد استفاده قرار گرفته است.
  - ✓ مرحوم مجلسی به خاطر اشتها کتب اربعه، از آنها مطالب فراوانی نقل نکرده است،
  - ✓ البته از میان کتب اربعه کتاب کافی از این قاعده مستثنا است و بیش از ۳۵۰۰ مورد به آن استناد شده است،
  - ✓ از کتاب من لا یحضره الفقیه کمتر از یکصد مورد در بحار نقل شده است.
  - ✓ وی علت این امر را احتمال عدم استنساخ این کتابها و در نتیجه متروک شدن آنها ذکر کرده است.
  - ✓ علامه مجلسی از برخی منابع اهل سنت همچون کتب لغت و شرح روایت به منظور تصحیح الفاظ روایت و تعیین معانی آنها نقل کرده است.
  - ✓ گاهی نیز روایاتی را مستقیم یا غیرمستقیم از اهل سنت نقل کرده است،
  - ✓ بیشترین ذکر علامه از روایات کتب اهل سنت، آن گونه که خود تصریح می کند، برای یکی از این سه امر بوده است:
    ۱. برای ردّ روایات عامه؛
    ۲. به منظور بیان مورد تقیه،
    ۳. برای تأیید و توضیح روایات شیعه
- اعتبار منابع: علامه مجلسی در فصل دوم از مقدمه بحار بحث گسترده ای (و از جهات متعدد) در اعتبار منابع و نسخه های کتب آورده است. از این رو، به صحت و اعتبار مصادر مورد استفاده در بحار، شهادت داده است. البته این به معنی قبول تمام روایات آن کتب نیست؛ چنان که علامه نیز گاهی در «بیان» های خویش به ضعف برخی روایات اشاره دارد.
- ساختار کتاب بحار الأنوار:
- ✓ کتاب بحار الأنوار مشتمل بر یک مقدمه و ۴۴ کتاب و حدوداً ۲۴۸۹ باب و دهها هزار حدیث است.
  - ✓ علامه مجلسی این حجم مطالب را ابتدا در قالب ۲۵ جلد بزرگ تنظیم کرد.
  - ✓ در اثر حجیم شدن جلد پانزدهم را در دو بخش و در دو مجلد قرار داد و بدین ترتیب مجلدات بحار ۲۶ جلد گردید.
  - ✓ هر موضوع کلی، یک کتاب است و هر کتاب نیز دارای ابواب کلی است و زیر مجموعه هر باب کلی بابهای جزئی قرار دارد.
  - ✓ برخی از ابواب جزئی نیز دارای فصلهایی است که زیرمجموعه آنها هستند.
- مقدمه بحار: این مقدمه در پنج فصل سامان یافته است که عناوین فصول مقدمه به شرح زیر است:
۱. معرفی مصادر بحار (نام ۳۷۸ مصدر از مصادر بحار همراه با ذکر نام مؤلفان این آثار)؛
  ۲. توثیق مصادر، که در آن به بررسی میزان اعتبار مصادر کتاب پرداخته است؛
  ۳. رموز کتاب، شامل بیش از ۸۰ رمز که برای اختصار عناوین مصادر بحارا ز آنها استفاده شده است؛
  ۴. اختصارهایی که علامه مجلسی در اسامی رجال سند به کار برده است؛
  ۵. نقل و بررسی مطالبی از مقدمه برخی از مصادر بحار.
- دسته بندی مطالب: شیوة چینش مطالب در بحار بسیار متأثر از کتاب کافی است، البته تفاوتهایی هم در این بین دیده می شود. از جمله اینکه علامه برخی ابواب و کتب را برای اولین بار مطرح کرده است، مانند کتاب العدل و المعاد، کتاب السماء و العالم و کتاب قصص الانبیاء.
- فهرست کتابهای بحار الأنوار
۱. کتاب العقل و العلم و الجهل؛ مطابق با جلد ۱ و ۲

۲. کتاب التوحید؛ مطابق با جلد ۳ و ۴
  ۳. کتاب العدل و المعاد؛ مطابق با جلد ۸ - ۵
  ۴. کتاب الاحتجاجات و المناظرات و جوامع العلوم؛ مطابق با جلد ۹ و ۱۰
  ۵. کتاب قصص الأنبياء؛ مطابق با جلد ۱۴ - ۱۱
  ۶. کتاب تاریخ نبینا و أحواله (صلی الله علیه و آله)؛ مطابق با جلد ۲۲ - ۱۵
  ۷. کتاب الإمامة و فيه جوامع أحوالهم (عليهم السلام)؛ مطابق با جلد ۲۷ - ۲۳
  ۸. کتاب الفتن و فيه ما جرى بعد النبي (صلی الله علیه و آله) من غصب الخلافة و غزوات أمير المؤمنين (عليه السلام)؛ مطابق با جلد ۳۴ - ۲۸
  ۹. (کتاب تاریخ أمير المؤمنين صلوات الله عليه و فضائله و أحواله؛ مطابق با جلد ۴۲ - ۳۵
  ۱۰. کتاب تاریخ فاطمة و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم و فضائلهم و معجزاتهم؛ مطابق با جلد ۴۵ - ۴۳
  ۱۱. کتاب تاریخ امام سجاد و باقر و صادق و کاظم (صلوات الله عليهم و فضائلهم و معجزاتهم؛ مطابق با جلد ۴۸ - ۴۶
  ۱۲. کتاب تاریخ امام رضا و جواد و هادی و عسکری و أحوالهم و معجزاتهم صلوات الله عليهم؛ مطابق با جلد ۵۰ - ۴۹
  ۱۳. کتاب الغيبة و أحوال الحجة القائم صلوات الله عليه؛ مطابق با جلد ۵۳ - ۵۱
  ۱۴. کتاب السماء و العالم؛ شامل مطالبی درباره عرش، کرسی، افلاک، فرشتگان، جن، انس، وحوش، پرندگان و دیگر حیوانات و نیز ابواب صید و ذباحت و طب است؛ مطابق با جلد ۶۳ - ۵۴
  ۱۵. کتاب الإيمان و الکفر و مکارم الأخلاق؛ مطابق با جلد ۷۰ - ۶۴
  ۱۶. کتاب الآداب و السنن و الأوامر و النواهی و الكبائر و المعاصی و فيه أبواب الحدود؛ مطابق با جلد ۷۳ - ۷۰ و ۷۶
  ۱۷. کتاب الروضة و فيه المواعظ و الحكم و الخطب؛ مطابق با جلد ۷۴ و ۷۵
  ۱۸. کتاب الطهارة و الصلاة؛ مطابق با جلد ۸۸ - ۷۷
  ۱۹. کتاب القرآن و الدعاء؛ مطابق با جلد ۹۲ - ۸۹
  ۲۰. کتاب الزکاة و الصوم و فيه أعمال السنة؛ مطابق با جلد ۹۵ - ۹۳
  ۲۱. کتاب الحج. (مطابق با جلد ۹۶ و ۹۷
  ۲۲. کتاب المزار؛ مطابق با جلد ۹۸ و ۹۹
  ۲۳. کتاب العقود و الإيقاعات؛ مطابق با جلد ۱۰۰ و ۱۰۱
  ۲۴. کتاب الأحکام؛ مطابق با جلد ۱۰۱ و ۱۰۲
  ۲۵. کتاب الإجازات؛ مطابق با جلد ۱۰۷ - ۱۰۴
- شیوه گزارش متن احادیث در بحار الأنوار
۱. ذکر کامل متن: علامه در نقل روایات، یا تمام متن را نقل کرده، یا اگر بخش مربوط به عنوان را انتخاب کرده، متن کامل را در جای مناسب بتر ذکر کرده است. چنانچه روایتی طولانی مربوط به چند عنوان باشد، علامه آن را تقطیع کرده است و ذیل همه عناوین مربوط، آورده است، البته متن کامل روایت را نیز در ذیل یک عنوان ذکر کرده و بقیه موارد را بدان ارجاع داده است. در مواردی هم که روایت کوتاه بوده آن را ذیل تمامی عناوین نقل کرده است.
  ۲. تکرار احادیث: به گونه ای که بعضی یک پنجم آن را تکراری دانسته اند. البته این نکته نباید ایرادی بر کتاب تلقی شود چراکه احادیثی که مربوط به ابواب مختلف اند، لازم است که تکرار شوند.

۳. ذکر اختلاف نسخ و تصحیفات: چنانچه متن روایات در کتابهای مختلف متفاوت بوده، علامه این اختلافات را بیان کرده است، همچنین به تصحیفات و اختلاف نسخ نیز توجه داشته است.

### شیوة گزارش اسناد در بحار الأنوار

۱. اختصار در اسناد: علامه مجلسی جهت مرسل نبودن و امکان ارزیابی سندی روایات بحار، سعی کرده ضمن رعایت اختصار، سندها را کامل ذکر کند.

۱.۱. اختصار در نام راویان مشهور، (اکتفا به نام یا لقب یا ابن و نام پدر.

۱.۲. در سندهایی که زیاد تکرار شده اند، با رمزی به تمام آن سند اشاره میکند،

۱.۳. استفاده از رموز اختصاری برای اشاره به نام مصادر روایات: مثلاً [ن] به جای عیون اخبار الرضا، [ید] به جای التوحید،

۲. ذکر سندهای مختلف یک روایت

ویژگیها و مزایای کتاب بحار الأنوار

۱. ذکر آیات قرآن

۲. جامعیت بحار نسبت به موضوعات مختلف

۳. استفاده از مصادر کمیاب و نسخه های تصحیح شده

۴. توجه به اختلاف نسخ و تصحیف و تحریفها

۵. توجه به کتب اهل سنت: علامه مجلسی برای نقل روایات عامه به دو کتاب *عرائس البیان ثعلبی* و *جامع الأصول* ابن اثیر توجه زیادی دارد. دلیل این

توجه آن است که وی کتاب *عرائس البیان* را کتابی می داند که روایات شیعه را فراوان نقل می کند و کتاب جامع الاصول را بهترین کتاب اهل سنت میدانند.

۶. توجه به روایات متعارض

۷. توجه به اقوال عالمان و فقیهان بزرگ

۸. گزارش اسناد و متون متعدد در هر موضوع

۹. رساله های مستقل در بحار الأنوار: علامه مجلسی ضمن بحثهای خود در بحار الأنوار، گاهی به کتابها یا رساله هایی برخورد کرده که به جهت اختصار

آن رساله و شدت ارتباط موضوع آن با بحثهای بحار الأنوار، آن رساله را به صورت کامل و یکجا نقل کرده است. کتابهایی که علامه مجلسی آنها را به

صورت کامل و بدون تقطیع در بحار الأنوار نقل کرده است بالغ بر ۲۵ کتاب است. از جمله:

۹.۱. رساله امام هادی (علیه السلام) در پاسخ به جبر و تفویض و اثبات عدل الهی؛

۹.۲. مسائل علی بن جعفر؛

۹.۳. رساله استحالة السهو علی النبی؛

۹.۴. قصة جزيرة خضراء؛

۹.۵. کتاب طب النبی (صلی الله علیه و آله) منسوب به ابوالعباس مُسْتَعْفَری؛

۹.۶. رساله الحقوق از امام سجاد (علیه السلام)؛

۹.۷. توحید مُفَضَّل؛

۱۰. توضیح و تفسیر احادیث

طرحهای تکمیلی بحار: از تعابیر علامه مجلسی در مقدمه بحار استفاده می شود که وی دو طرح برای تکمیل بحار الأنوار در نظر داشته

است:



۱. نگارش شرحی کامل و ابتکاری بر بحار الأنوار به منظور مطرح ساختن مطالبی که غالباً در نوشته های عالمان پیشین سابقه نداشته است؛
۲. نگارش کتابی به نام مستدرک البحار شامل مجموعه روایاتی که در بحار الأنوار نیامده است. یافت نشدن این روایات در بحار یا به دلیل عدم نقل تمام روایات برخی از مصادر بحار بوده است و یا به دلیل دست یابی به برخی از مصادر جدید.

میزان اعتبار روایات بحار

✓ به غیر از قرآن کریم، در مورد هیچ کتاب دیگری نمی توان ادعا نمود که تمام محتوای آن صحیح و قطعی است.

✓ به همین جهت عالمان شیعه هیچ کتاب حدیثی ای را به نام صحیح نمی شناسند.

✓ کتاب بحار الأنوار نیز مانند سایر کتابها دارای روایات صحیح، معتبر و ضعیف است.

✓ بحار دریایی است از گوهرهای قیمتی و درّهای گرانبهای روایات معصومین (علیهم السلام) که در کنار آنها خزه ها و خاشاک کم ارزش از اخبار و منقولات ضعیف و بی اساس نیز مشاهده می شود.

✓ خود علامه در موارد متعددی بر ضعف برخی از روایات کتابش تصریح کرده است.

✓ استفاده از این مجموعه برای کسانی رواست که تخصص لازم در ارزیابی سندی و متنی احادیث را داشته باشند.

انتقادهای وارد به بحار الأنوار

✓ وجود روایات ضعیف و غیرمعتبر: ✓ تکرار در نقل روایات.

نقد و بررسی انتقاداتها

نقد اشکال اول:

۱. یکی از اهداف علامه مجلسی حفظ روایات شیعه بود؛ از این رو کوشیده روایاتی را که احتمال می داده ضایع شوند و از دسترس خارج گردند، جمع آوری کند
۲. ممکن است تہذیب و خلاصه کردن کتابها باعث از بین رفتن پاره ای از روایات شود. هر چند شاید آن روایات به زعم ما ضعیف السند یا دارای معانی غیر قابل قبول باشد، لیکن حفظ آنها می تواند راه تحقیق آیندگان و یافتن اسناد و معانی صحیح را فراهم آورد.
۳. علامه مجلسی معتقد به صحّت کلیه روایات کتاب بحار نبوده و در مواردی به نقد و حتی ردّ برخی از روایات کتاب پرداخته است.

نقد اشکال دوم: تکرار، لازمه مجموعه هایی است که به تبویب موضوعی روایات پرداخته اند. پیشتر گفتیم که علامه مجلسی در صدد تبویب و دسته بندی موضوعی روایات موجود بوده و از آنجا که برخی روایات، موضوعات مختلفی را شامل می شوند، مؤلف ناچار است به منظور فرار از تکرار چنین روایاتی، یا آنها را تقطیع نموده و هر بخش را ذیل عناوین مناسب ذکر کند و یا روایت را به صورت کامل در ذیل هر عنوان تکرار نماید؛ امری که به حجیم تر شدن کتاب و ملالت خواننده منجر خواهد شد.

### شیخ حرّ عاملی و کتاب وسائل الشیعه

نکاتی از زندگی شیخ حرّ عاملی (رحمة الله علیه)

- محمد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حرّ عاملی از نسل حر بن یزید ریاحی (با ۳۶ واسطه)
- طبق نوشته خودش: در شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳ هجری در روستای مشغری از توابع جُبع در منطقه جبل عامل لبنان دیده به جهان گشود.
- جبل عامل زادگاه شخصیت‌های برجسته ای از عالمان شیعه همچون شهید اول (۷۸۶.ه.ق.)، شهید ثانی (۹۶۶.ه.ق.) و شیخ بهایی (۱۰۳۰.ه.ق) است.
- حسن بن علی پدر شیخ حرّ عاملی (۱۰۶۲.ه.ق) شخصیتی فاضل، دانشمند، صالح، ادیب، فقیه، ثقه، حافظ و در مباحث فقهی مورد مراجعه مردم بوده است.

- شیخ حرّ تحصیلات خود را در زادگاهش مشغری نزد پدر، عموی خود و نیز جمعی دیگر از عالمان آن دیار آغاز کرد.
  - در جبع نیز نزد عمو و زین الدین محمد (نوة صاحب معالم) و تعدادی از مشایخ آن دیار تحصیلات خود را ادامه داد.
  - تا چهل سالگی در منطقه جبل عامل زندگی می کرد و در این مدت دو بار به سفر حج مشرف گردید.
  - در سال ۱۰۷۳ هجری برای زیارت ائمه معصومان (علیهمالسلام) به عراق رفت.
  - از آنجا برای زیارت امام رضا (علیه السلام) عازم مشهد مقدس شد و در آنجا سکنی گزید.
  - در سال ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ نیز دو بار به زیارت حج و ائمه معصومان (علیهمالسلام) در عراق مشرف شد
  - بعد از آن به اصفهان رفت و در آن سفر به علامه مجلسی اجازه روایت داد و علامه نیز به شیخ حرّ اجازه روایت داد.
  - شیخ حرّ عاملی به مشهد بازگشت و از طرف شاه ایران به مقام قاضی القضاة خراسان منصوب گردید.
  - سرانجام به سال ۱۱۰۴ هجری در آن دیار دیده از جهان فرو بست و در جوار حرّم رضوی به خاک سپرده شد.
- اساتید :

پدرش شیخ حسن بن علی حرّ عاملی (۱۰۶۲.ه.ق)؛ عمویش شیخ محمد بن علی حرّ عاملی (۱۰۸۱.ه.ق)؛ زین الدین بن محمد، نوه صاحب معالم (۱۰۶۲.ه.ق)

مهمترین شاگردان و یا کسانی که از وی اجازه روایی گرفته اند عبارت اند از:

- علامه مجلسی (۱۱۱۰.ه.ق)؛
- سید نورالدین بن سید نعمت الله جزایری (۱۱۵۸.ه.ق).

آثار و تألیفات شیخ حرّ عاملی (رحمه الله)

۱. الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة (اولین کتاب شیخ حر)؛ شامل ۶۵۶ حدیث قدسی و از مهمترین منابع شیعی در این زمینه است.
۲. الصّحیفة الثانیة من أدعیة علی بن الحسین علیه السلام؛ مجموعه دعاهایی که در صحیفة سجادیة مشهور نیامده است.
۳. الفوائد الطوسیة؛ در یک جلد و شامل صد فایده در مباحث گوناگون حدیثی، رجالی، اصولی، و غیره.
۴. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات؛ شامل بیش از ۲۰۰۰۰ حدیث با ۷۰۰۰۰ سند بنقل از ۴۳۹ کتاب از فریقین درباره معجزات پیامبر و ائمه (علیهمالسلام).
۵. أمل الآمل؛ شرح حال عالمان شیعه. در جلد اول آن شرح حال علمای جبل عامل و در جلد دوم آن شرح حال دیگر عالمان متأخر آمده است.
۶. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة یکی از جوامع حدیثی متأخر.
۷. هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة (علیهمالسلام)؛ خلاصه و گزیده ای از کتاب وسائل الشیعة است که در آن سند و مکررات احادیث حذف شده است.
۸. بدایة الهدایة؛ خلاصه هدلیة الامة. وی در این کتاب واجبات را ۱۵۳۵ مورد و محرّمات را ۱۴۴۸ مورد دانسته است.
۹. کتاب من لایحضره الإمام، در یک جلد، این کتاب فهرست وسائل الشیعة و شامل عنوان بابها و تعداد احادیث هر باب و مضمون احادیث آن است.

### کتاب وسائل الشیعة

نام کتاب: نام کامل این کتاب تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة است؛ یعنی کتابی که به تبیین و تفصیل احادیث شیعه که همان ابزارهای لازم برای بدست آوردن احکام و مسائل شریعت اند، پرداخته است.

موضوع کتاب: روایات فقهی شیعه است، اگرچه به مناسبت برخی از ابواب، پاره ای از روایات غیر فقهی نیز مانند مباحث اخلاقی و آداب در آن آمده است.

زمان تألیف: در سال ۱۰۸۸ در مشهد مقدس آن را به اتمام رساند. وی قریب ۲۰ سال به گردآوری تنظیم و تحقیق کتاب پرداخت و پس از تألیف دو بار موفق به بازنویسی کلی و تجدید نظر در آن گردید. از این رو میتوان گفت مؤلف سه بار این کتاب را با کمال دقت از نظر گذرانده و اصلاحاتی

را در آن اعمال کرده است. او خود در این باره می نویسد: «وَأَفْنَيْتُ فِي تَرْتِيبِهِ وَتَحْقِيقِهِ سَنِينَ عَدِيدَةً تُقَارِبُ مَدَّةَ عَشْرِينَ سَنَةً مَنَعَ الْقَلْبَ فِيهَا رَاحَتَهُ وَالطَّرْفَ وَسَنَّتَهُ»؛ در ترتیب و تحقیق این کتاب سالیان متمادی قریب بیست سال وقت صرف نمودم و برای این امر آسایش و خواب را بر خود منع کردم.

انگیزه تألیف: مشکلاتی که در استفاده از کتابهای حدیثی وجود داشته است،

این مشکلات عبارتند از:

۱. تطویل مباحث و کلمات مؤلفان این کتابها؛
۲. تأویلهای دور از ذهن مؤلفان این کتابها در شرح احادیث و بیان وجه
۳. جمع بین احادیث به ظاهر متعارض؛
۴. دشوار بودن استفاده از این کتابها؛
۵. اختلاف شیوه های انتخاب احادیث و ابواب کتاب؛
۶. تکرار احادیث به صورت گسترده؛
۷. اشتمال کتابهای فقهی بر مباحث غیرفقهی و همچنین عدم ذکر
۸. بسیاری از احادیث فقهی؛
۹. پراکندگی روایات مربوط به یک موضوع؛
۱۰. ساختار کتاب: از آنجا که مهم ترین و متعارف ترین کتاب فقهی در آن عصر، کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (ق. ۶۷۶ه.ق) بوده است، لذا شیخ حر، کتاب وسائل الشیعه را بر اساس تبویب و ترتیب این کتاب تدوین کرده است و غالباً ابواب با عناوین کتاب شرایع الاسلام هماهنگ است. بنابراین وسائل الشیعه را می توان شرح حدیثی کتاب شرایع به شمار آورد. شیخ حرّ عاملی کتاب وسائل الشیعه را در ضمن سه بخش تألیف کرده است:

۱. ابواب مقدمه العبادات: که شامل ۳۱ باب در احادیث نیت و چگونگی عمل مکلف و غیره است.
۲. بخش اصلی کتاب: که مشتمل بر ۵۰ کتاب فقهی، از کتاب طهارت تا کتاب دیات است. این کتابها مشتمل بر ابواب کلی چندگانه ای است که هر یک بابهای فرعی متعددی را شامل می شود. بابهایی که در ذیل آنها احادیث مربوط ذکر شده است.
۳. خاتمه کتاب: که شامل ۱۲ بخش با عنوان فایده است؛ این فواید عبارت اند از:
  - ۳.۱. طرق و اسانید شیخ صدوق که معمولاً در کتاب من لا یحضره الفقیه نیامده است؛
  - ۳.۲. طرق و اسانید شیخ طوسی که در آخر تهذیب و استبصار آمده است؛
  - ۳.۳. طرق و اسانید کلینی و مراد از عدلهایی که از آنان نقل حدیث نموده است؛
  - ۳.۴. مآخذ و منابع کتاب وسائل؛
  - ۳.۵. طرقی که مؤلف توسط آنان از مؤلفان منابع مزبور نقل حدیث م یکنند؛
  - ۳.۶. اثبات صحّت منابع مزبور؛
  - ۳.۷. اصحاب اجماع و صاحبان اصول احادیث و جمعی که توسط ائمه توثیق شد هاند؛
  - ۳.۸. قرائنی که موجب وثوق به صدور حدیث است؛
  - ۳.۹. استدلال به صحّت کتب حدیثی که از آنها نقل فرموده و تعرض به اصطلاح جدید علمای درایه که احادیث را به چهار نوع تقسیم کرد هاند؛
  - ۳.۱۰. جواب از اعتراضات وارده بر اخباریان؛
  - ۳.۱۱. احادیث مضمّر و تعیین مضمّر عنه (کسی که به جای ذکر نامش از ضمیر استفاده شده است)؛
  - ۳.۱۲. احوال روایت حدیث به ترتیب حرّوف الفبا؛ فایده دوازدهم کتاب رجال مختصر و سودمندی است که شیخ حرّ عاملی در آن روایت بسیاری را توثیق نموده است. این بخش بیانگر دیدگاههای رجالی مؤلف در باب رجال احادیث و وسائل الشیعه است.

تعداد روایات: شمار روایات نقل شده در این کتاب بر اساس چاپ مؤسسه آل البیت ۳۵۸۶۸ حدیث است. در این محاسبه، اسناد متعدد و نقل یک روایت در کتابهای متعدد شمارش نشده است و تنها مضامین احادیث در شمارش آمده است.

مصادر کتاب: شیخ حرّ در فایده چهارم خاتمه کتابش نام ۸۲ کتاب را که مستقیماً از آنها نقل کرده است، ذکر و آنها را به عنوان کتابهای مورد اعتماد معرفی می‌کند؛ کتابهایی همچون کتب اربعه، سیزده کتاب از آثار شیخ صدوق، همچنین امالی، ارشاد و مقنعه از شیخ مفید، امالی و مصباح المتهجد از شیخ طوسی و کتابهای دیگری از قبیل کتاب علی بن جعفر، قرب الإسناد، محاسن برقی، نهج البلاغه، کتاب سلیم بن قیس، تحف العقول، مجمع البیان، کامل الزیارات و ... .

علت مراجعه شیخ حرّ به برخی کتب حدیثی در تألیف وسائل

۱. نسخه صحیحی از آن کتابها به من نرسیده است.
۲. احکام شرعی زیادی در آنها نیست.
۳. ضعف کتاب و مؤلفش ثابت شده است.
۴. معتمد بودن آن کتابها نزد من ثابت نشده است.

شیوه گزارش متن

۱. تقدیم احادیث قوی و مطابق عنوان باب؛
۲. پرهیز از تکرار حدیث: مؤلف از تکرار حدیث پرهیز کرده و صرفاً در پایان باب اشاره می‌کند که در ابواب گذشته یا آینده چنین روایاتی وجود دارد.
۳. تقطیع روایات: ایشان همچنین جهت اختصار و اکتفا به بخش مورد نظر به تقطیع روایات پرداخته است. این کار گرچه موجب جلوگیری از افزایش حجم کتاب شد، اما متأسفانه در بعضی از موارد موجب از دست رفتن پارهای از قرائن موجود در حدیث گردیده است.
۴. اشاره به اختلاف متون: در صورتی که متن روایت در منابع گوناگون متفاوت نقل شده باشد، مؤلف غالباً از میان متون مختلف کامل ترین متن را انتخاب کرده است و سپس نکات اضافی یا اختلافی را مشخص کرده است.

شیوه گزارش اسناد

۱. کامل یا ناقص نقل کردن سند مطابق مصدر اصلی؛
۲. رعایت اختصار در سند: بدین منظور مؤلف سندها را همواره به صورت معنعن آورده و از ذکر الفاظ ادا و تحمل، همچون حدّثنا و أخبرنا خودداری کرده.
۳. رعایت امانت در گزارش سند؛
۴. تعیین مصدر روایت در آغاز سند؛ تذکر: در صورتی که چند روایت به صورت متوالی از یکی از کتب اربعه نقل شده باشد پس از آنکه در آغاز سند اول، نام مؤلف ذکر شد در سندهای روایات بعدی به جای تکرار نام مؤلف، صرفاً از واو عاطفه استفاده می‌شود.

ویژگیها و مزایای وسائل الشیعه

۱. این اثر از جامع ترین کتب احادیث فقهی شیعه است.
۲. مؤلف به کتب اربعه اکتفا نکرده و با تتبعی گسترده روایات فقهی را از بیش از هشتاد کتاب روایی معتبر شیعه گرد آورده است.
۳. بدلیل مطابقت عناوین کتابهای فقهی وسائل با کتاب شرایع و دیگر کتب متداول فقهی شیعه، دسترسی به احادیث مربوط به هر بحث فقهی آسان است.
۴. گردآوری و تنظیم احادیث با اسناد یا متون مختلف در باب مناسب و در کنار یکدیگر، امکان مقابله متون و اسناد مشابه را فراهم ساخته است.
۵. عناوین هر باب نشان دهنده فتوای صاحب وسائل در آن موضوع است. به عبارتی عنوانهای هر باب تا آنجا ریز شده که تقریباً هر مسئله ای بابی را به خود اختصاص داده است و شیخ حرّ در همان جا برداشت خود را از احادیث عنوان کرده است.
۶. شیخ حرّ وجوهی را که در جمع بین اخبار متعارض مناسب دیده ذکر کرده. وی در این باره غالباً وجوه و تأویلات شیخ طوسی را از تهذیبین نقل می‌کند.
۷. شیخ حرّ قریب ۲۰ سال مشغول تألیف کتاب بوده و دو بار آن را بازنگری کرده است.

اشکالات بر کتاب وسائل الشیعه

**اشکال اول:** تمامی احادیث هر باب در همان باب نیامده است و لذا ارجاع با عباراتی از قبیل «تَقَدَّمَ مای دُلُّ علی ذلک» و «یأتی مای دُلُّ علی ذلک» در پایان بسیاری از ابواب وجود دارد، بدون اینکه شیخ حرّ محلّ دقیق این ارجاعات را مشخص کرده باشد.

پاسخ: ۱. مؤلف در هر باب روایات اصلی آن باب را ذکر کرده و ارجاعات مذکور عمدتاً به روایات فرعی و کم ارتباط باب است.

۲. علاوه بر این، مؤلف نیز خود متوجه این نکته بوده، اما عمدتاً به منظور جلوگیری از حجیم شدن کتاب، این شیوه را در پیش گرفته است؛ لذا در پایان کتاب تذکر می دهد که در استفاده از کتاب به باب خاصی که مورد نظرتان است اکتفا نکنید، چه آنکه گاه احکام منصوص در غیر ابواب خودش وجود دارد. وی دلیل آن را سه امر دانسته است:

۱. عدم امکان تقطیع همه یا اکثر روایات.

۲. عدم امکان اشاره به مضمون همه اخبار به جهت عدم استحضار ذهن به یک یک موارد.

۳. اکتفا به بعضی از روایات که در باب آمده است.

۳. غالب ارجاعات به ابواب، دور از هم نیست، بلکه بفاصله بسیار کم در حدود چند باب قبل یا چند باب بعد است که اخلاقی به امتیازات کتاب وارد نمیکند. **اشکال دوم:** شیوه مؤلف در وسائل بر تقطیع احادیث بوده است و در هر باب به آن قطعه از احادیث که مربوط به باب است اکتفا شده است. این کار گرچه استفاده از روایات را بسیار آسان کرده است ولی در برخی از موارد فهم صحیح حدیث را با مشکل مواجه می سازد، زیرا گاه توجه به صدر و ذیل روایت در فهم مراد گوینده دخیل است.

پاسخ: ۱. مؤلف اختصار کتاب را یکی از اصول تألیف خویش شمرده و در صورت ذکر تمامی حدیث در هر باب، کتاب بسیار ضخیم تر از حجم موجود می شد. ۲. مرحوم شیخ حرّ با اطلاع دقیق و کامل از روایات و مضمون آنها و دقت بسیار در تألیف کتاب و تجدید نظرهای بسیار، قطعاً در تقطیع روایات به شکل مقتضی عمل کرده است که فهم وی در مقدار لازم از حدیث در فهم حکم هر باب غالباً قابل اعتماد است و موارد لزوم قطعی مراجعه به متن کامل روایت در فهم حدیث، بسیار اندک است.

## محدث نوری و کتاب مستدرک الوسائل

نگاهی به زندگی محدث نوری

- میرزاحسین نوری معروف به «خاتم المحدثین» و «محدث نوری» در ۱۸ شوال ۱۲۵۴ ه. ق در روستای «یالو» از روستاهای شهر «نور» مازندران (طبرستان) متولد شد.
- پدر دانشمندش، مرحوم علامه میرزا محمدتقی نوری طبرسی (۱۲۶۳ ه. ق) از عالمان و فقیهان بزرگ مازندران بود.
- در هشت سالگی به خدمت عالم جلیل، مولی محمدعلی محلاتی درآمد.
- پس از چند سال به تهران آمد و به محضر فقیه زاهد، شیخ عبدالرحیم بروجردی رسید، که بعدها دختر او را به نکاح خود درآورد.
- در سال ۱۲۷۳ هنگامی که نوزده سال داشت، همراه مرحوم بروجردی به عراق مهاجرت کرد.
- محدث نوری چهار سال در نجف ماند و سپس به ایران بازگشت.
- در سال ۱۲۷۸ به عراق در ملازمت فقیه جامع، شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) به عراق بازگشت.

- شیخ العراقین نخستین کسی بود که به محدث نوری اجازه روایت داد.
- وی چند سال در کربلا و کاظمین در خدمت شیخ العراقین بود.
- در سال ۱۲۸۰، برای نخستین بار به سفر حج رفت. آنگاه به نجف بازگشت و مدت زمانی کوتاه را در خدمت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ه.ق) بود.
- در سال ۱۲۸۴ برای دومین بار به ایران بازگشت، و به زیارت حضرت رضا (علیه السلام) مشرف گردید.
- پس از دو سال، در سال ۱۲۸۶ بار دیگر به عراق بازگشت و از آنجا برای دومین بار به سفر حج مشرف شد و به نجف بازگشت.
- در سال ۱۲۹۱، با مهاجرت آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی به سامرا، محدث نوری در خدمت استاد به سامرا هجرت کرد.
- در سال ۱۲۹۷ برای بار دوم به قصد زیارت حضرت رضا (علیه السلام) عازم ایران شد.
- در سال ۱۲۹۹ برای سومین بار عازم سفر حج گردید.
- از پربرکت ترین دوران زندگی میرزای نوری دوران اقامت وی در سامرا است که تا سال ۱۳۱۴ ادامه داشت. وی در این مدت، علاوه بر اینکه مشاور و نماینده مرحوم میرزای شیرازی در شئون اجتماعی و مرجعیت آن بزرگوار بود، در تهیه نسخه های نفیس شیعی، شناخت و بررسی کتابها و تألیف آثار گرانقدر و جاودانه میکوشید.

- محدث نوری در سال ۱۳۱۴ به نجف بازگشت و تا زمان رحلت - یعنی سال ۱۳۲۰ - در نجف ماند.
- سرانجام وی در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۰ در نجف اشرف در گذشت و در صحن مطهر حضرت . امیرالمؤمنین (علیه السلام) دفن گردید.

برخی از اساتید محدث نوری:

۱. شیخ عبدالرحیم بروجردی (۱۳۰۶ ه.ق)؛
۲. شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) (۱۲۸۶ ه.ق)؛
۳. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ه.ق)؛
۴. ملا علی کنی (۱۳۰۶ ه.ق).
۱. مشهورترین شاگردان محدث نوری:
۱. شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ ه.ق)، صاحب مفاتیح الجنان؛
۲. شیخ آقابرگ تهرانی (۱۳۹۸ ه.ق)، صاحب الذریعه؛
۳. شیخ فضل الله نوری (۱۳۲۷ ه.ق)، خواهر زاده و داماد محدث نوری؛
۴. شیخ محمد حسین کاشف الغطا (۱۳۷۳ ه.ق)؛
۵. سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (۱۳۲۵ ه.ق)؛
۶. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (۱۳۴۳ ه.ق).

آثار و تألیفات:

۱. نَفْسُ الرَّحْمَنِ فِي فَضَائِلِ سَيِّدِنَا سَلْمَانَ؛ از اولین آثار محدث نوری؛
۲. جَنَّةُ الْمَأْوَى؛ درباره کسانی که در غیبت کبری به ملاقات حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه) نایل شده اند؛
۳. النُّجْمُ النَّاقِبُ؛ در احوال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به فارسی؛
۴. صَحِيفَةُ الرَّابِعَةِ السَّمَاوِيَّةِ؛ در ادعیه حضرت سجاد (علیه السلام)؛
۵. الصَّحِيفَةُ الثَّانِيَّةُ الْعُلُوِّيَّةُ؛ در ادعیه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛
۶. فَصْلُ الْخِطَابِ؛ در موضوع تحریف قرآن کریم؛
۷. الْفَيْضُ الْقُدْسِيُّ؛ در شرح حال علامه مجلسی؛
۸. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِلِ.

### کتاب مستدرک الوسائل

نام کتاب: نام کامل کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل است.

موضوع کتاب: موضوع این کتاب روایات و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) درباره مسائل و احکام شرعی است بعنوان تکمله ای بر کتاب وسائل الشیعة.

انگیزه نگارش: محدث نوری در مقدمه کتاب، انگیزه خود را از نگارش این کتاب این گونه بیان می کند: شیخ محمد بن حسن حر عاملی (قدس الله روحه الزکیة) در کتاب وسائل الشیعة احادیث پراکنده ای را از میان کتابهای روایی عالمان گذشته جمع آوری کرده است... این کتاب به شکر خدا مرجع

شیعه و جمع آورنده دستورات شریعت است که هیچ کتابی به پای آن نمی رسد و هیچ مجتهد فقیهی برای استنباط احکام شرعی از آن بی نیاز نیست. ولی ما با مراجعه به دیگر کتابهای روایی اصحاب به بخش دیگری از روایات برخوردیم که کتاب ارزشمند وسائل الشیعه آنها را در بر ندارد. آن روایات بر چند بخش است:

۱. روایاتی که در کتابهای روایی معتبر قدیمی بوده ولی به دست شیخ حر عاملی نرسیده است.
۲. روایاتی که در کتابهایی آمده است که ایشان به نام مؤلف آن دسترسی پیدا نکرده و ما با تحقیقات خود که در خاتمه مستدرک آورده ایم به نام این کتابها و نام مؤلفان و ادلة اعتبار آنها پی برده ایم.
۳. برخی روایات در کتابهای معتبری که در اختیار ایشان بوده وجود داشته، اما وی آنها را در کتابش نیاورده است یا از آنها غفلت کرده و یا متوجه آنها نشده. من نیز از خداوند طلب خیر نمودم و آن مرواریدهای گرانبها را جمع آوری نمودم و آن جواهرات ارزشمند را به نظم در آوردم...  
زمان نگارش: محدث نوری در حدود سال ۱۲۹۵ هجری در شهر سامرا بخش اصلی آن را به اتمام رسانده است و در سال ۱۳۱۹ در شهر نجف اشرف بخش دوم کتاب را که خاتمه آن است به پایان رساند. وی حدود ۲۴ سال از عمر شریف خود را در جمع آوری این کتاب ارزشمند صرف نموده است.
- ساختار کتاب: محدث نوری کتاب خود را به ترتیب ابواب و مسائل الشیعه و به همان شیوه تنظیم کرده است. از این رو این کتاب نیز با ابواب مقدمه عبادات آغاز شده و در پی آن ۵۰ کتاب فقهی به ترتیب ابواب و مسائل الشیعه از کتاب طهارت تا کتاب دیات آمده است. در پایان نیز خاتمه کتاب با ۱۲ فایده سودمند قرار گرفته است.
- تعداد روایات: طبق چاپ آل البیت شمار روایات مستدرک ۲۳۱۲۹ است.

منابع مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری در خاتمه نام ۷۲ کتاب از منابع مستدرک را آورده است. کتابهایی که به اعتقاد محدث نوری یا در اختیار صاحب وسائل نبود و یا وی به هنگام تألیف و مسائل مؤلف آن کتابها را نمی شناخته است. البته در میان آنها کتابهایی نیز به چشم می خورد که مورد اعتماد شیخ حر نبوده است، مثلاً شیخ حر در حاشیه ای که بر خاتمه و مسائل نوشته است، ۱۳ کتاب را غیر معتمد دانسته لذا از آنها نقل نکرده است، اما محدث نوری ۶ کتاب از آن تعداد را معتبر و جزو منابع مستدرک برشمرده است، این کتابها عبارت اند از:

۱. مصباح الشریعه منسوب به امام صادق (علیه السلام)؛
  ۲. عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور أحمسانی؛
  ۳. الفقه الرضوی، منسوب به امام رضا (علیه السلام)؛
  ۴. کتاب الشهاب، ابن سلامة قضاعی؛
  ۵. جامع الاخبار، محمد بن محمد سبزواری؛
  ۶. الدرر و الغرر آمدی.
- مرحوم آخوند محمد کاظم خراسانی (۱۳۲۹ ه.ق) درباره مستدرک الوسائل می نویسد: «إِنَّ الْحُجَّةَ لِلْمُجْتَهِدِ فِي عَصْرِنَا هَذَا لَا تَتَمُّ قَبْلَ الرَّجُوعِ إِلَى الْمُسْتَدْرِكِ»؛ در عصر ما بر مجتهدی حجت تمام نمی شود، مگر آنکه به کتاب مستدرک الوسائل محدث نوری مراجعه کند.

### شیوه تألیف

۱. محدث نوری کتاب مستدرک را به شیوه کتاب و مسائل تنظیم کرده است. وی بابهای کتاب را مانند بابهای و مسائل مرتب و نامگذاری کرده است تا مراجعه کننده به راحتی بتواند روایات مورد نظر را پیدا کند و اگر نظر وی با صاحب و مسائل در نامگذاری برخی از بابها فرق می کرده باز هم رعایت هماهنگی شده تا دو کتاب، نوشته یک نفر به نظر آید اما در آخر باب دیدگاه خود را مطرح کرده است.
۲. اگر در باب خاصی روایات جدیدی نیافته آن باب را حذف نموده است.
۳. در این کتاب برای رعایت اختصار از صاحب و مسائل به شیخ و از کتاب و مسائل به اصل تعبیر شده است.
۴. در پایان بیشتر ابواب، مباحثی مربوط به آن ابواب را با عنوان نواذر ذکر کرده است مباحثی که ذکر آن در خلال ابواب مناسب نبوده است.

۵. گاهی شیخ حر عاملی روایتی را به اندک مناسبتی در باب خاصی آورده است در حالی که آن روایت با دیگر ابواب مناسبت بیشتری داشته است، محدث نوری آن روایت را در باب مناسب نیز که به نظر وی لازم بوده، آورده است.

#### ویژگیهای کتاب

۱. برخی از روایات ضعیف در کتاب و سائل در این کتاب با سند صحیح آمده است.
۲. کثرت و فراوانی برخی از روایات غریب و نادر کتاب و سائل، در این کتاب ثابت شده است.
۳. سند برخی روایات مرسله در این کتاب آمده است.
۴. بعضی روایات موقوف در این کتاب مستند شده است.
۵. دلالت برخی روایات غیر ظاهر، روشن و آشکار گردیده است.
۶. روایات برخی آداب شرعی، فروع و احکام، که در سائل برای آنها روایتی نیامده است، در این کتاب آمده است.

خاتمه مستدرک: خاتمه مستدرک آینه‌ای است که آگاهی فراوان و شخصیت علمی ایشان را در علم رجال و کتابشناسی به تصویر می‌کشد. وی در فوائد ۱۲ گانه پایان کتاب به بسیاری از مطالب مهم رجالی و مباحث مشکل علم حدیث، با توجه فراوان به توثیقات عامه و اختلاف سبکها و مبانی علمی گوناگون، اشاره دارد. این خاتمه از نظر حجم حدوداً شش برابر خاتمه سائل الشیعه است و از نظر مباحث بسیار عمیق تر و ناظر بر آن و بسیاری از کتابهای علم حدیث و رجال است.

#### فوائد مطرح شده در خاتمه:

۱. منابع کتاب.
۲. معرفی و اعتبار منابع کتاب و مؤلفان آنها.
۳. سند محدث نوری به منابع و مشایخ روایی وی.
۴. مطالبی درباره کتاب کافی.
۵. شرح مشیخة کتاب من لا یحضره الفقیه.
۶. نکاتی درباره تهذیب و مشیخة آن.
۷. اصحاب اجماع و تعداد آنها.
۸. توثیق اصحاب مجهول امام صادق (علیه السلام).
۹. بحثی در الفاظ دال بر مدح و وثاقت و داخل کردن بسیاری از احادیث حسن در شمار احادیث صحیح.
۱۰. راویان معتبری که در خاتمه و سائل الشیعه نام آنها برده نشده است.
۱۱. دیدگاه اخباریان درباره حجیت قطع.
۱۲. ارزش و منزلت علم حدیث و شرح حال خود نوشت محدث نوری.